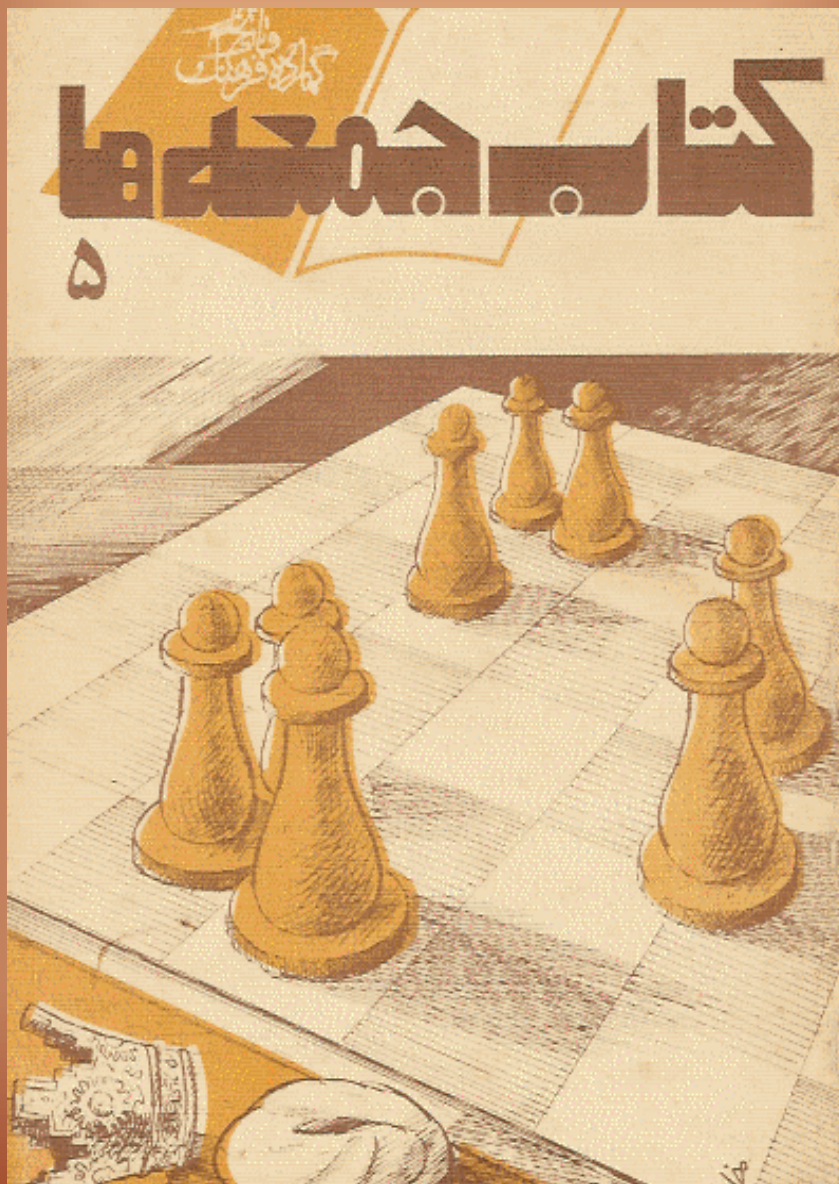




۲۲۹

خسرو شاکری : پیشینه های جنبش انجمنین





کتابخانه مجله ها

زمستان ۱۳۶۴

۵	خسرو - شاکری	پیشینه های جنبش انجمنین (از مشروطه تا فردای شهریور ۲۰)
۶۱	مسا تویف	انجمن انقلابی عشق آباد
۷۲	سفسیر بریتانیا	زمینخواری رضا خان
۷۵		داستان باقرامامی
۸۴	بهر روز بهاران	خلأ قدرت یا بحران شناخت
۱۱۳	حمید شوکت (م)	در کشور شوراها چه می گذرد؟ (مصاحبه)
	خاور	چهار طرح از خاور
۱۲۹		برای زندانیان سیاسی
۱۳۳	گنج بخش (م)	دیداری از دانشگاه های فلسطین ا.ح. گنج بخش (م)
		نگاهی تند به "دست آوردهای"
۱۳۸	آمار	اقتصادی حکومت اسلامی
۱۴۲	داریوش	یک طرح
۱۴۳	شعر



غالبا ، هنگامی که تصویری را قاب گرفته‌ام ، یا در محیطی مناسب آویخته‌ام ، متوجه این احساس غرور آمیز در خود شده‌ام که گویی تصویر را خود ساختم .

نه ! این سخن کاملا دقیق نیست . متوجه این احساس غرور آمیز شده‌ام که گویی من به ساختن آن کمک رسانده‌ام ، با بخشی از آن را خودتربیم کرده‌ام .

این احساس به این می ماند که باغبان با استعدادی برانجام به این فکر برسد که دست کم بخش کوچکی از ساقه چمن هائی را که آراسته است ، خود آفریده است ، درحالی که بایستی بر او آشکار باشد که کار او در قلمرو دیگری بوده است ، فرایندی که طی آن کوچکترین و ناچیزترین ساقه چمن به وجود می آید ، امری است که باغبان را با آن کاری نیست و از آن چیزی نمی داند .

لودویگ ویتگنشتاین

پیشینه های جنبش انجمنین

از مشروطه تا فردای شهریور بیست

و طی آن اراده خود را برای رهایی کامل به مصه ظهور می گذاشتند ، کمتر و فعی می نهادند . پس ارساموط رژیم پهلوی نیز کمتر عا بنی نسبت به این جنبش عظیم ، اصل و خود اکیخته افاده شد . این که جنبش انجمنین زحمتکشان ایران موفق شد ، علیرغم سرکوسی حکومت پهلوی ، اراده خود را بر سر و سوت خویش حاکم سازد ، دلیل افروزی شد در این کسی اعجاب می سستاره اهمیت آن هر چه بیشتر شود .

چنانکه آشکار است ، از جنبش مشروطه تا کنون ، نه ا رسوی ایرانیان و نه زوی ایرانستان رسمی کوشی جدی برای شناختن و شناختن این حرکت درجه ای بر آن به عمل نیا آمده است . اشاره های پراکنده ا سجا و آنجا سلسله سی نوا سده ق مطلب را ا دا کرده ا شده ، این که ا خدائی بایی ا ضا شی ، بویژه ا ر آن جهت نیرشا بسته ا نتقا داست که نهفت گا رگر ا این و دیگر زحمتکشان ایران برای در دست گرفتن امر تولید و ترسیع در جامعه خود گردانی ا قضا دی سیاسی ا دارای پیشه های شایسته تومیسی در تاریخ معا برا بران سوده است . بیژوهتی که خواسته پیش روی دارد ، وقف مطالبه ی پیشه های این گونه کوشش در خود گردانی مردم زحمتکشان ایران شده است . دست آخر ما خواهیم کوشیدگا می هر چند کوتیسا ، به پیش خود گردانی (انجمنین) در ما های نخستین پس ا رفتن سوط یا دشا می رضا شاه پهلوی بعد ا را اغال ایران توسط منفین بیگنیم و همیشه را برای مطالبه بعدی ، یعنی شناختن پیش انجمنین در ما های آخرین حکومت معمر فا پهلوی و نخستین سال حکومت ملایان ، ا آماده سازیم .

در همین آغا زیبا بدنا کیدور زید که پیرامون این مسئله در سال های ۴۱ - ۱۹۵۶ ، بعضی ارا عطای فاشون مشروطه تا سرانجام حکومت رضا شاه ، ضرورتا به لحاظ کیمود مواد ، یعنی اسناد و مدارک ، محدود خواهد بود . پژوهش در این قلمرو بویژه ا ر آن رودشوار رنرا است که ایتکارهای خسود انگینخته توده ها به سود کسانی نبوده ، و سخا هدیود ، که یا معدر فسادت

(۱) باید متاسفانه یادآور شد که متیای مرقی غرب نیز کمترین توجهی به این مهم نکرد ، به جز چند مقاله که دریا ده اشت ۳۷ (ژوئیه) آمده اند مقاله ای پیرامون این امر نشونیا فته مگرا خیرا " مجله خنزه ای مدیوانه (فرانسه ، شماره ۲۹۵ اکتبر ۱۹۸۴) که مقاله ای در مور میگ ، تجربه مشغی در جنوب شهران نشر داده ، اما متاسفانه نویسندگان ایرانی و فرانسوی آن ، علیرغم جارت برتصمیمات " تشوریک " جزا زبیک تجربه مشغی سخن نمی گویند و نسبت به گذشته این حرکت در ایران و نیز مقالات طوق الذکر کا ملا" نا آگا هند .

از آن به دیر صفان ام عزیز می آود
کاه نشی که نمیرد همیشه در دل ما است

مقدمه

یکی ا سیرجسته ترین جنبه های جنبش انقلابی ای که سرا سرا یجران راطی سال های (۷۱ - ۱۹۷۸) ۵۸ - ۱۳۵۷ فرا گرفت ، پیدا ییش نا گدانی انجمن ها (با شورا های ا کارگری ، دهقانی و کارمندی بود . این جنبه سبب ارمه همیشه انقلابی ایران تحت تا تیروا همینی که دستگا های رنشا ط جمعی بر شخصیت " مرهمید " (کا ریزما تنگ) خمیسی می دانند گا لیا "سه دست فراموشی سیرده می شد . آن دستگا ها سه کوشش جمعی کارگران و دیگر زحمتکشان ، که عامل عمده فرو بانی نظام ا قصادی رژیم پهلوی بودند

(۲) توضیحی تاریخی - زیبا نشانده در مور نا ستگا به ا لفظ انجمن و شه شورا ، ضروری است . واژه پارسی انجمن که در نوران مشروطیت و پس ا ر آن تا مدتی به کار برده می شد ، به معنای جمع و گردا شدن است ، بنا بر معنای تاریخی ای که کمب کرد ، به معنای سوویست (Council, Rat, Conseil, Soviet) مردمی است . به اورتده ، واژه عربی شورا به معنای صکمان شورا است . کلیه شورا پس ا ز پیدا ییش ا تحا شوروی نرا بران رایج شد ، و پس توسط ملایان و جریان های سیاسی مذهبی مور نا ستگا ده ترا ر گرفت . گروهی می خواست جمع مردم از یک حرفه یا شغل را به نحوی صرفا " به تجربه ا نتقا د شوروی منسوب دارد . دیگری می کوشید با تکیه به این که لفظ شورا نورموران مذکور است ، از آن سو ا ستقا نه کرده ، جمع مردم را به خواست شور و دستور البسیسی سیر سوط سبازد) اما واقصیت این است که آنچه سیردم به نحوی طبیعی در آغا ز جنبش انقلابی ایران به وجود و ر مندوبال های سیاسی از به تخت نشستن رضا خان آن را ا دا ما نا بدنا نمین بود ، چنانکه خواهیم دید تا نچین همچون الفاظ فرنگی به معنا های مختلف به کار گرفته شده است .



بوده اند ، یا در تلاش آنند که به مواضع قدرت دست یابند .

اگر اقدام های خود انگیخته انقلابی توده های ایران سرکوب شده اند ، تا ریخ این کوشش ها نیز توسط کسانی که خواسته اند بوقدرت چسبند اندازه اند ، زمین برداشته شده است . این که توده ها " باید " تمسک " هدایت " رهبران " قرار گیرند ، و غالباً " مراد از " رهبران همان " دماغیون " است که حاکمانگی پرولتری ندارند ، نظریه ای است عموماً مقبول ، و نیاز به تفصیل آن در اینجا نیست . به عبارات همبسی درگ ، این نقطه نظرسبز (دست کم در مورد ایران) غالب است کسسه موافق آن اقدام خود انگیخته توده ها یا با بدیهه طاق نسبان سپرده نشود .

بنا معلول یک نیروی نا شناخته ، مرموز ، ناشی از تحریکات دشمنان داخلی یا خارجی دانسته نشود . تحریکات دشمن امری است از پیش معاشیه شده ، که هدفش جز این نیست که توان ، نه هنوز آماده سپهر برداری توده ها را به هدر دهند ؛ بتوان توده ها را آن هنگام که رهبران آنهاستند آماده سپهر برداری می دانند ، به عمل گشاده و نیت هدایت قرار داد .

آنچه ما از پژوهش زیرا خواهیم آموخت باید ما را در جهت بدایتی نظریه بسیار " حافناده " را همبیا باشد ، که موافق آن توده های زحمتکش ایران ، با حتی کشورهای مشابه ، نمی توانستند ، به ملت عقب ماندگسی اقتصاد ، همچون کارگران روسیه ، آلمان ، ایتالیا ، یا اسپانیا مرکزی ، در راه ایجاد انجمن های سولید کنندگان گام گذارند .

اما پیش از آن که به خود این کوشش های خود انگیخته بپردازیم ، لازم می آید که زمینه های تاریخی همکاری و یابوری اجتماعی زحمتکشان را در اصولی اجتماعی پیش سرمایه دارانه در جامعه آسیائی ، هرچند به اعتقاد ، با داور و ورشیم .

کتابخانه

کاملاً مجزا و سزوه خود را داشت (۴) به نظر نمی رسد که این وضع نسبان ویژه هندوستان بوده باشد ، دلیل کافی برای قبول این نظریه است که چنین روستا هایی در ایران نیز وجود داشتند ، اما حکومت مرکزی اراضی آن ها را که با خالصه یا ایوانسی یا عمومی نامیده می شدند ، طی یک دوره افلاس مزانه ، بلطنقی به مخرج مبروش گذاشت و این اراضی آهسته آهسته ، بویژه در اوایل سده نوزدهم میلادی ، به دست حاکمان نظامسی واداری یا تجار افتاد . (۵) بدین سان بود که دهقانان رفته رفته از زمین های گه اشتراکی " می گانند بیرون رانده شدند .

با این همه این گونه با زماندهی اجتماعی کارتابه تخت نشستن پهلوی دوام آورد ، سلطانزاده در سال ۱۹۲۲ در این باره چنین نوشت :

مراد از [زمین های] عمومی آن اراضی است که در مالکیت عمومی قرار دارند ، یعنی گورستان ، چراگاه ها برای کل حشم دهکده ، محمول گویدن محمول [خرمگانه] ، ماسع آب ، یعنی کهربر ، و غیره ... این نوع مالکیت ها ، با سراسر این نوع مثال ، با معنای خربند ، دارائی دهکده را تشکیل می دهند .

و معنای اراضی عمومی در ایران در سال های پیش از ۱۹۲۲ ، بسیار محدود شده است ، و دیگر انسان همه حاکمان آن روستاها ، در ولایت ارومیه اراضی عمومی بیشتر از نقاط دیگر یافت می شوند . (۶)

از سوی دیگر ، می توان تاکید ورزید که اگر چنانچه آماده ، بیسنم میلادی مالکیت عمومی در ایران دستگیره با سدی می گراشد ، اما روحیه و گرایش فکری جمعی (یا اشتراکی) هنوز از میان سرفته بود ، زیرا ، امروز بر سومی که طی قرن ها در میان مردم متداول بودند ، ضرورت طبیعی سازماندهی اشتراکی به منظور تامین آبمسی ضرورت آمیاری مشترک ، هنوز ندیدنا " آمیاس می شد . اس ضرورت همچنان ، بر سیم شنبیرانی که در سیمه مالکیت بدید آمده بود ، مقام خود را سبیاخته بود . دست آخر ، سازماندهی زندگی با سبیا نشی که هنوز در سبیا ری زلفاظ کشور غلبه داشت ، با رتانی بود از ضرورت زندگی جمعی و اشتراکی ، و کار جمعی هنوز جیبی آمیاسی از زندگی تولیدی جامعه ایرانی را تشکیل می داد . این گونه سازماندهی زندگی تولیدی در همین گذشته های سببیا در اروپای سبای خود را آغازید ، با رهم بدون آن که روحیه اش هنوز کاملاً سببید نشود .

بدین سان نمی توان این فرضیه را مطرح کرد که این عامل های اجتماعی - اقتصادی ، که در بالا آن ها با دگر دهم می توانستند در تسبیل پذیرش آنچه که طی جنبش مشروطه خواهی (۱۹۱۱ - ۱۹۰۶) و سببسن در دهه ۱۹۲۰ با اعتقاد را " در اوایل جنگ جهانی دوم در آذربایجان شرقی ، انجمن ، یا جنبش انجمنین ، نامیده می شدند ، موثر افتاده باشند .

آنچه که ما رکن وانگمن در مورد شیوه تولید آمیاسی " کشف " کرده بودند ، اکنون دیگر انقدر شناخته شده است ، که در اینجا نیازی به تفصیل ندارد (۱) به یاد آوری این نکته سنده کنیم که از نظر مارکس کلیت مهم جامعه های آمیاسی ، چون ایران ، ترکیه ، هندوستان ، عبارت بود از مردم مالکیت ارضی عمومی . (۲)

موافق پژوهش ایشان ، که از اجتماع می در این کشورها در جا رسوب " تعاون های روستا سببسی یا همبسن ها طی ما زمان می یافت که حق تسبیل زمین به کشتکاران واداشتند ، در حالی که " زمینداران " یا مالکداران " یعنی مباحران زمین ، در اصل جز ما سوران دولتی تا ناسر برا خد مالکیت های حکومتی نبودند . (۳) هر یک از این روستا ها با رمان



کتاب جدیدها

ما زمان ها و با زمانه می بری ترا بران

وجود یک نظام حکومتی خودکام به در ایران که کوچک ترین انتقاد با حرکت اندیشه نظام دانه را بی رحمانه مجازات می کرد، چه برسد به مخالفت فعال، ضرورتاً راه را بر ما زمانه می پنهانی و گمان همنمای بسته ها راهبوار می ساخت. موردی که فریبان پیش از همه درها و میانها مطالعه کرده، و شناخته اند، همانا فرقه اسماعیلیه به رهبری حسن صباح بوده است. (۷). در جامعه مبتنی ایران، به لفظ از جهت نوع سازماندهی اقتصادی زندگی، که همچنین بنا بر سرکوب بی حد و سر حکومتی، و وابستگی وفاداری و تعهد فرا دیش از آنچه به میهن بوده باشد، نسبت به گروه اجتماعی ای بوده است که نسبتاً به آن تعلقی بلا فصل داشتند، یعنی قبایله یا ایل، دهکده، صنف تجاری یا صنعتگران به جا جامعه مذهبی، یعنی جامعه قبیله ای و غیره.

در این رابطه، ضروری است که از گرایش مهدوی (مهدیانه) ای که بویژه در اسلام ششمی نختی مهم داشته است به عنوان یک عنصر صیغ کننده یاد کنیم، گرایشی که در ایران اسلامی پس از مهویان در روایت مهدیانه مطرح می شد، اما مختص به شیعه نیست و پیش از اسلام نیز، بویژه نزد مزدکیان نیز وجود داشته بود.

بدین سان، مهم به نظری رسید که به هنگام مطالعه انجمن های پنهانی معرجه نبود پس مقاومت های ضد خودکامگی در نظر گرفته شوند. تردیدی نیست که مصلحان او از جمله ۱۹ میلادی در ایران که به آفریندن انجمن های پنهانی دست بردند، طایفه پراگندن و تبلیغ نظریه نو، خلق و ادب بر اساس استبداد پادشاهی "بیدار" کنند، تحت تاثیر انقلاب کبیر فرانسه بودند، هر چند این تأثیر سطحی بوده باشد.

میرزا ملک خان یکی از دروسان انگلیسی اش گفته بود: "من به اروپا رفتم و نظام های مذهبی، اجتماعی و سیاسی غرب را مطالعه کردم. من روحیات فتری مختلف مسیحیت و سازماندهی سازمان های مخفی فرانسوی را آموختم و بر اساس آن راه اندوین کردم که با پستی خرد سیاسی اروپا با جزده مذهبی آسیا را ادغام می کرد، من می دانستم که کوشش برای اصلاح ایران مطابق نمونه اروپائی اموری عبث بیسود، پس من را تصمیم بر آن شد که اصلاح مادی خود را در ریختی قابل فهم برای مردم، در ریختی مذهبی عنوان سازم. (۸)

روشن است که مورد ملک خان تنها مورد اتحادین سبک کاری نموده است. اصلاح گران دیگری چون میرزا آقاخان کرمانی، جمال الدین

(۹) این به معنای عدم حس "میهن پرستی" یا پرهیز از شرکت در جنگ به طرا ایران نبود، تمام مسائل مربوط به "میهن" همه میانه می ایسن موسسات احکما می رفتی و رفتی می شدند.

کتاب جدیدها

احدسانی، ارهمنی شیوه ابتعاده کردند. (۹) به نظر ایشان می رسید که نمی توانستند جز این سبک دیگری را برگزینند. روبرو با نیکی است انحصار کامل تدبیر را در دست داشت، پس نمی با پستی به یکبار ره و در آن واحد با نظام اخلاقی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی کشور درمی افتادند. پس شگفت انگیز نیست که نخستین سازمان های مخفی ای که برای مبارزه بر ضد قدرت سیاسی خودکام معطیه آمدند، متاثر از اندیشه های اصلاحی بودند و دربراهای مواز تحت هدایت مستقیم یا غیر مستقیم روحانیت قرار گرفتند.

ایرانشناس انگلیسی حامی لامبتون (۱۰) می آورد که نخستین انجمن های پنهانی در آذربایجان در سال ۱۲۸۲ (۱۹۰۵) به وجود آمدند. (۱۱) بیشتر اعضای انجمن مخفی ای را که در تبریز به اولین انجمن های پنهانی در ایران پس از نخستین انقلاب روسیه در سال ۱۹۰۵ (ششم ماه ۱۲۸۲ خورشیدی) تاسیس شد، روحانیون "مرفی" تشکیل می دادند. این انجمن وظیفه خود را "بیداری مردم"، تربیت ایشان و ایجاد دوستی مبتنی بر فائون، مبارزه بر ضد خودکامگی و نفوذ خارجی می دانست. برنا مع این انجمن، که در نامه ای خطاب به مدراعظم شاه عین الدوله عرضه شد، به شرح ررسود:

"قانون ابداء" ضروری به دستگاه دولت ندارد. قانون دخالتی به مذهب ندارد، با تصریح می کنیم که قانون حکم عمومی پادشاه است و پس البته اگر آن قانون به مشاورت دانشمندان ملت، ووزرای عاقل و عالم باشد و به امضای پادشاه برسد نور علی نور است. وقتی که مجلسی برای وضع قانون منعقد شد فقط دوازده فصل مطرح مذاکره آید که می است:

اول - قانون عدل و ایجاد عدالتخانه، دویم - مساحت اراضی و تعیین ملاک به موجب دستور دولتی، سوم - تعدیل مالیات بر وجه صیغ. چهارم - نظم قشون - پنجم - اصول انتصاب حکومت و تعیین حق حاکم و محکوم. ششم - اصلاح و ترویج تجارت داخله. هفتم - تصفیه عمل گمرک. هشتم - تصحیح عمل ازرای و اجناس. نهم - اصول کلیه درتاسین مدارین علمی و تشکیل کارخانجات و معادن. دهم - تکلیف وزارت خارجه. یازدهم - اصلاح عمل موجب مستمری های دولتی. دوازدهم - محدود نمودن حدود وزارت و وزارتخانه ها و ملاعابه قانون شرع. اگر همین اصول دوازده گانه مرتب و به موقع اجرا آید، دولت ایران در عرض بیست سال از زاپون می گذرد. (والسلام علی من اتبع الهدی و آلف الهوی) (۱۲)

از آنچه که در بالا نقل شد، به روشنی دستگیرمان می شود که خواست های مصلحان گرد آمده در انجمن در جهت تأمین مناقصه



"پورزوازی" یعنی (تصارف) قرارداد است که طی سده نوزدهم میلادی خسار به آن بسیار متحمل شده بود. البته، از آن رو که دیگر گروه های اجتماعی بستنی هنوز، علیرغم ضررهای بسیار که طی تهاجم اقتصادی استعماراری دیده بودند، به آن خسارات پی نمرده بودند، نمی توانستند مانع خود را در مطالبات سیاسی مطرح سازند. افزون بر این، باید به این نکته اشاره کرد، که این "پورزوازی" ضعیف شده، بستنی ایرانی را به وارونه، همگن اروپائی خود، موافق قوانین جامعه آسیائی عمل می کرد. جامعه ای که در آن حکومت لوی بود و مسئولیت موسسات بزرگ اقتصادی، چون طرح های بزرگ آبیاری به عهده آن قرار می گرفت. از همین رو بود، که این "پورزوازی" برخلاف پورزوازی اروپائی که در حالت هر چه کمتر حکومت را در امور اقتصادی می طلبید، از حکومت می خواست که در اقتصاد کشور دخالت مستقیم کرده، کارخانه بنا کند و از معادن بهره بردارد.

انجمن مغفلی، پس از این که از دریافت پاسخ شاه و وزیران و نا امید شد، به تبلیغ و تشییع خود امانت داد. بزودی انجمن مغفلی دومین نیز برپا شد و مبلغان و دامائی به شهرها اعزام شدند تا برای امضای آزادی به تبلیغات بپردازند. این تبلیغات که در اوایل سال ۱۹۰۵ به سمت مدهای ارتجاعی بزرگ و "علمای اعلام" انجامید، به تشییع برخی از عواصم های نیروهای ضد خودکامگی تأیید آمد. این موفقیت آنان را ترغیب کرد که به کوشش های خود که تا امپایه ناسون اساسی توسط مظفرالدین شاه در خردادماه ۱۲۸۵ ادامه دهند. (۱۲)

گسترش جنبشی انجمنین

با اعطای قانون اساسی و تأسیس حکومتی مبتنی بر قانون، دست کم اگر به در عمل که در سخن، انجمن های بسیاری در سراسر ایران بوجود آمدند. از دین تعداد انجمن ها در سراسر ایران پدیده ای گامی خود انگیزه بود. مدیران عموا علی، انقلابی با سابقه و از پایه گسداران اجتماعی - عامیون در ایران، در تحریکات خود به این

برای اینجاست که ریا شده استفاده از واژه "پورزوازی" بی معنای آن نیست که ما این پدیده را همانند پدیده "اروپائی می دانیم. به وارونه، گرایش ما روز بروز، بیشتر به این سو است که تاج را برانی از نظرات اقتصادی و اجتماعی ما نه پدیده دیگری را می ساختند. امیدواریم در آتی نزدیک، نوشته ای پژوهشی در این زمینه منتشر کنیم.

دوایینجا ما پدید آمدن و رو که انجمن های گوناگونی در ایران پدید آمدند. انجمن شهری، با لاتی و ولایتی، حرفه ای یا منغی. استفاده از واژه یکسان انجمن برای چند گونه گرد هم آیی، که وظایف مختلفی داشتند، مانع از آن نمی شده که آنرا نام مردم، بیای خود را در در بخت های گوناگون بیا بد.

مردان گنجینه مغفول بود و نوشت که پس از اینجا با نمایندگان بسیاری مجلس اول "وکلای انتخاب شده، و رفتن انجمن ها تشکیل شدند که تمام ترکیبات سابقه ما بهم خورد و هرگز در انجمنی عضویت پیدا کرده، حوزه عمومی ما از هم پا شد. پس از آن من مادم و همان هفت نفر حوزه عمومی که با حرفه احصا میون کارگری روبه روستی رابطه داشتیم.

نخستین وظیفه ای که این انجمن ها سرای خود قابل شده هوز مبارت بود از تعلیم و تربیت نوده های مردم، دومین این وظایف دفاع از قانون اساسی تازه پای بود. ما بدنا کید و روز بده کلیه وجود مطبوعات ملی، قدرت واقعی در کشور در دست انجمن های ملی بود. مجلس ملی که در تهران بود و بیرون از دسترس بسیاری از مردم کشور قرار داشت، به سختی می توانست نوده های کشور به دست ایران را نسبت به ما لایت روز مره خود جلب کند.

سوار به انجمن ها که از خود مردم یا از نمایندگان بلا مسئول مردم دست ایشان تشکیل می شد، به مرکز قدرت های غیر متمرکز ملی و منطقه ای بدل شدند. مجلس ملی، با این که ما در با رقابت مقابله نمود، برای مردم همچون پدیده ی تجربی و غیر قابل لمس و دور از دسترس شامندان ساده کشور می نمود. حتی هنگامی که لازم می آمد با مجلس ملی تماسی گرفته، با مرضی ای آن مرستاده شود، این اقدام از طریق انجمن صنفی، یا محلی انجام می پذیرفت. (۱۵)

این واقعیت که انجمن ها عا لسا مومنی می شدند شهرها را از ما موران و کارگمان منفور و فرساده، تهران را سازند، شاهد بر وجود قدرت عمال آنان در آن دوران است.

۱۴) یا آوری اولین بر خورده محمد علی میرزا و انجمنین مهم است. در نخستین نمرده محمد علی میرزا بودند مشروطه پیا می در بر چیدن انجمن ترستان.

"انجمن نشینان که بیشتر شان از ملایان و بازرگانان می بودند، بهم کرده و فرمان برداری نبودند و انجمن را رها کردند. ولی آزادیخواهان یا بهتر بگوئیم، مجاهدان خرسندی ندادند... [در پامخ میرزا حسین مجاهد گفت] تا رسیدن قانون اساسی نیاید انجمنی یا نشینان اینان گفتند ما نخواهیم گذاشت انجمن بسته شود، ما چیزی را که گرفته ایم از دست نخواهیم داد." در زیر قضا برده محمد علی عقب نشینت خط ما در کرد: انجمن ملی که فی السابق برقرار بوده و یک نفر ما مور به تصدیق اجزا [انجمن] زجا نب حضرت ندس معین و در انجمن حاضر خوا هدند که [گذا] اعضای انجمن در امور آن جزئی و کلی ملت هر چه قلم تموده اند میوقع اجرا گذارده و کارگذاران حضرت و ا لدر اجرا شما ما عکامات انجمن ملی تقویت خواهند نمود. کمرو، تاریخ مشروطیت، ایران، تهران، ۱۳۴۶، ص ۷۵-۱۲۴



تدرب مردم و در همین نقلیهای غلات زرفتن را چمن ها بودند.

قدرت انجمن ها چنان رشد یافت که طرفداریک سال شاه جدید، محمد علی میرزا، با همه تفکرات استبدادی اش در اکتبر ۱۹۰۷ (آبان ۱۲۸۶) ناچاراً زیدیش منجم قانون اساسی شد، که نه فقط حقوق دیگران تک مردم را گسترش می داد، بلکه همچنین بر وجود رسمی و قانونی انجمن های ایالتی و ولایتی، یعنی پایه های اساسی نوعی حکومت فدرال، مجرای غیر قابل انکار می گذاشت، با این همه، شاه و نه زمینداران بزرگ ارتوطه و کوشش برای براندازی دمکراسی تازه پای ایران بناز سعی ایستادند. هنگامی که در ماه می ۱۹۰۷ (۲۲ ذریعہ ۱۲۸۶) شاه نخستین باره اقدام علنی خود برای انحلال مجلس دست زد، انجمن های موجود در تهران طرف ۲۴ ساعت، برای دفاع از قانون اساسی ۳ هزار تن مسلح را بسیج کردند و میدان بهارستان را به اشغال خود درآوردند. در مرداد آن روز افراد مسلح انجمن ها حتی افزایش یافت به هفت هزار تن رسید و پیشان شاه بیمناک را به عقب نشینی عینی اگر موافقتی، واداشت. *

هنگامی که محمدعلی شاه به حمله ویرانگر خود بر ضد مجلس در تابستان ۱۲۸۷ دست برد، و به کشتار رهبران و گویندگان آزادیخواه تهران دست زد، این شهرتبریز بود که به هدایت ستارگان و با نگره به انجمن ملی مقاومت را تا زمان داد و ستد سرکونی سلطان چپار، محمدعلی، ادامه

در همین مورد کسروی در مورد نقش انجمن ملی تبریز چنین نوشت : " انجمن تبریز، برای چاره به یک کار بخود آینه برخاست و آن این که به هدایت ستارگان مجاهدان (بلکه به راهنمایی آنان) محمدعلی علی میرزا را به عنوان این که بگویند خود را نکرده، از پادشاهی برداشت و این کار را در زمان به تهران، به خود محمدعلی میرزا و به دارالشورا، آگاهی داد، و از آن سوی بران آزادی در تلگرافخانه نشسته به همه شهرها، رشت، قزوین، اسپهان، یزد، شیراز، مشهد، خوی، رومی، و دیگر جاها تلگراف کرده، خواستار گردیدند که در این باره همدستان گردند و هم آوازی نمایند. این کار نتیجه بسیار نیک و زودی داد، زیرا از همه شهرها این خواهش را پذیرفتند و از همه آنها تلگراف بیزار ی آزادی خواهی محمد علی میرزا، به خود و به همه دارالشورا فرستاده گردید. از دارالشورا درخواست می شد که جانشین او را برگزینند، همان کتاب، ص ۵۱۷. " در مورد تلگراف انجمن های دیگر شهرها نگاه کنید به ص ۵۱۸-۵۱۹.

در این مورد همچنین نگاه کنید به کتاب آبیسی (ترجمه اسناد وزارت خارجه بریتانیا در مورد نهضت مشروطه) چاپ اول توسط سردار اسعد بختیار به تاریخ ۱۳۹۳. چاپ جدید توسط احمد بشیری، تهران جلدیکم، صفحه ۱۱۸ (از این پس کتاب آبیسی، ج ۱، ص ۱۱۸.

در شمال ایران، و از جمله آذربایجان، آنجا که معهود سوسیال دمکراسی ایران بیشتر از هر جای دیگر حس می شد، انجمن ها اگر آبنسی آشکارتر و خوارانه داشتند. در نقاط شمالی گوشه ترین اعضای انجمن ها را سوسیال دمکرات ها، مجاهدان و فدائیان تشکیل می دادند. (۱۶) در شهرهای جنوبی یا مرکزی (اصفهان، شیراز، کرمان) تا حدی در شرق چون مشهد، ملایان بزرگ موفق می شدند انجمن ها را بنا تا بسین کنند تا تحت هدایت خود درآوردند، و در پیاره ای موارد محسوسی زمینداران بزرگ را میسر می افتاد، سلطه خود را بر انجمن ها مستولی سازند. مثلاً ظل السلطان، سردار مظفرالدین شاه و حاکم اصفهان، آن جا برخون آشام، بخا غرمبارزه با سردار درویش برادرزاده خود محمد علی شاه و به امید جانشینی آنان، از انجمن اصفهان که تحت هدایت ملایان بزرگ شهر بود، پشتیبانی می کرد. در تبریز و ارومیه، به فقط حاکم شهر، که حتی ملایان بزرگ که مدافع میافع زمینداران بزرگ آن ایالت بود، از شهر بیرون رانده شدند. *

انجمن تبریز که رفته رفته به کانون مرکزی انجمن های حومه ای و محلی آذربایجان بدل شد، به مثابه انجمن ملی با لنت شناخته شد. در فوریه ۱۹۰۷، غیر دولت بریتانیا در ایران، گزارش کرد که انجمن ملی در اشراخلاف های داخلی تضعیف شده بود. با این همه، انجمن ملی آذربایجان زمینداران بزرگ را به هراس انداخته بود که شاهرشد

گفتنی است که ظل السلطان به فرزند خود گفته بود که اگر می خواست جانشین پدر شود یا پدر ما در خود، یعنی زن ظل السلطان را به قتل برساند. بمرهم چنین کرد. آنچه بود هفتان و صنعتگران و دیگر اهالی در منطقه، نفوذ او رفت می تواند از این نمونه استنباط شود.

احمد کسروی به تخیل به این مطلب پرداخته است و تکیه بر آن نچده و گفته است، ضروری نمی نماید. در این مورد نگاه کنید به تاریخ مشروطیت ایران، شهسواران ۱۳۴۶ صفحات ۷۵ - ۱۷۲، ۱۸۳، ۹۰ - ۱۸۸، ۲۲۸، ۴۳ - ۲۴۱، ۲۴۸ - ۲۴۵، ۶۶ - ۲۶۵، ۲۶۸، ۴۶۶، ۸۲ - ۴۸۱، ۹۳ - ۴۹۲، ۲۲۰ - ۵۱۶، کسروی. در مورد اخراج ملای بزرگ شهر نوشت که مردم انجمن را واداشتند حاج میرزا حسن، مجتهد مقتدر تبریز را از شهر بیرون برانند. مردم خود را برای انجام این خواست مسلح کرده بودند. در اعلامیه انجمن در این باره آمده بود که آن ملا " آنچه توانست اقتدارت در تخریب این مقصود مقدس مشروطیت نمود تا این که عموم علمای و ملت جمع شده از جهت اسکات فتنه و مسلح عموم ملت، ایشان از شهر تشریف بردند. همان کتاب، ص ۲۴۵.



داد. نقش انجمن نیروی در اس مقاومت یعنی اباسی و گذشت تا بدین بود. در دوران یک ساله، مقاومت نیروی، انجمن ملی تریز عملی " نقش دولت موقت" را ایما می کرد و از سوی نمایندگان سیاسی دول غربی نیز بدین سان شناخته شد. (۱۷)

نقش انجمن ها در جنبش دفاع از مشروطیت - آنقدر را دید که چنان که در بالا اشاره رفت، مورد توجه نمایندگان دول تسخیر شده بود. جلب می کرد، بویژه توجه خاص دولت روسیه تزاری را که در شمال غرب انجمن های متعددی روپرو بود و هم گوش به زنگ تانیرمونت - ره انقلابیون روسیه در ایران بود. (در اینجا مراد از انقلابیون فقط لشوئیک ها نیستند، زیرا دیگران چون مشوئیک ها و سوسال، انقلابیون در جنبش ایران شرکتی فعال داشتند.)

برای روشن شدن موضوع بهتر است که به برخی از گزارش های سفارت روس در ایران بپردازیم. این مطلب اشاره به هم در یکی از این گزارش ها آمده است که تعداد انجمن ها در شهر رشت هر روز فزاینده می یافت و به هنگام گزارش به ۱۲ می رسید. " طبقات مختلف اهالی و حرفه" اعضای این انجمن ها را تشکیل می دادند. نقش رهبری در آن شهر، به عهده " انجمن ملی" یا " انجمن ایالتی" بود. هدف این انجمن رهبر " دفاع از منافع مردم و تحفیف هزینه زندگی" بود. (۱۸) مسئولان انجمن نه تنها در امور داخلی دولت مستقیم داشته که حتی تا امور سیاسی دول خارجی وارد مذاکره می شدند. از جمله انجمن ملی رشت، به منظور تأمین یک سری از اهداف بالا از کنسول روس در آن شهر خواست تا تسهیلاتی جهت پرداختی از آنجا تحفیف دهد. همچنین بنا بر گفته " نماینده" [بنا] از جمله امکانات در اختیار انجمن سیم داوطلبان ای بود که تجار و مطبوعات به درمدی از کل فروش خود، به آن می پرداختند. اما این همه هنوز انجمن نتوانسته بود بر همه دنیای ها و کمبودهای مالی برای تحصیل مقام و در داخل آن، (۱۹)

انجمن ها معمولاً در اوقات مقرراتی با چند دونه ام - حور مورد نظر خود رسیدگی می کردند، علاوه بر این ها به نوشتن اوراقی به نام " شناسنامه" اقدام می کردند و آنها را به دیوارها نصب می کردند. در نقاط مختلف شهر می برگزار می کردند. اگر انجمن اصفهان زیره تار آفکای نجفی به پیروی از شکل می کرد و آنان را از کسب و کاری استخفاف در

(*) در استان دوزارت خارجه بریتانیا مکورا به مذاکرات کنسول های روسیه و بریتانیا با مسئولان انجمن ملی آذربایجان اشاره می رود. آنان انجمن را طرف جدی مذاکره به شمار می آوردند. نگاه کنید به کتاب آسی، ج ۲ ص ۲۸۸، ۴۸۵؛ ج ۳، ص ۵۴۳.

عوض انجمن تبریز با تعیین قیمت نان و گوشت مورد اعتراض ملاکسان را فراهم می آورد. اما در عین حال بنا بر قول سفیر بریتانیا " تجار و مردم زبردست... طرفدار هواخواه واقعی انجمن بودند." اگر انجمن شیراز که " از ۳۰ عضو طبقات مختلف را برگزیده، ولی در ژانویه ۱۹۰۷ کاری از پیش نمی برد، در مقابل درمته انجمن تحت نفوذ ۳۵ آذربایجانی ساکن قرار داشت که قسم یاد کرده بودند که " در حصول آزادی هر قدر مخارج لازم داشته باشد هر گونه مخاطرات پیش آید به هیچ وجه از بیدار جان و مال دریغ نخواهند داشت."

اگر در اصفهان برخی از " تجار و سادات"، در اعتراض به حمل و نقل انحصاری گندم به یزد و اردان انجمن شده بودند و از طرف عمال آقا نور الله مورد ضرب و شتم قرار گرفته بودند، اما نیروی انجمن آن چنان در جا معاف فزایش یافته بود که حتی عده ای از ملاکان، شاهزادگان، رؤسای لشکری و کشوری با این که مرتجع بودند، لکن حمایت و حفظ مشروطه را از محمدعلی شاه خواستار شدند و او را هتدار دادند که اگر گزند به مشروطه برسد، " از حمایت آن پادشاه کناره خواهند نمود." در تابید همین فتنه عمومی اجتماعی بود که وزیر مختار بریتانیا سیدان تهران در مورد انجمن آگاه نوشت: " اینجا داین هیات نتیجه انجمن اعیان است که کناره جوئی آنها از مرقه استبدادی وضع داخلی را به کلی تغییر داده، هیات مزبور مرکب است از ماورین عالییه با برخی از صاحب منصبان نظامی تحت ریاست امیراعظم و نایب رئیس حسین قلی خان نواب" (یکی از رهبران بعدی فرقه دمکرات ایران در مجلس دوم). باز، اگر در تربیت حیدریه، مردم از انجمن دفاع می کردند، در تبریز ریاست شهرتانی را یکی از اعضای مهم انجمن ایالتی به عهده داشت و برگزیده، انجمن برای آن سمت بود. انجمن شهر بودجه شهرتانی را تأمین کرده، با سائان آن با " ملوس فخر" و " حمل" یک تفنگ و پنجاه " فشنگ" انجام وظیفه می کردند. با از کسب سردر اصفهان مردم از انجمن رضایت داشتند، زیرا کارهای را که برای مسی داد انجام می داد، اما در همان شهر تبریز، انجمن " موجب فسادن های حکومتی" را منظم می پرداخت و رئیس آن به نماینده سیاسی بریتانیا از لزوم برکناری " فرمانفرمای بی حال و ناقابل" ایالت سخن می گفت. اگر انتخابات انجمن کرمان در اکتبر ۱۹۰۷، " دچار اغتشاش شد"، اما انجمن تبریز، کمیاتی تلگراف هندو اروپا را محور نموده اند که تمام مذبونی خود را به انجمن محلی بپردازد، بسا به دولت خارجی در برابر خیر اعطای وام به محمدعلی میرزای منجسب و ز هتدار می داد. *

(*) در این موارد نگاه کنید به کتاب آسی، اثر یاد شده به ترتیب به ج ۳ ص ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱

(نادوماه پیش از آن در سخنرانی های اوتا چهارهزار نفر شرکت می
جستند) . افزون بر آن ، این نشست مشترک انجمن ها ا حراج احتشام
السلطنه ، دستیار محمدعلی میرزا را نیز طلب کرد . (۲۳)

در این هنگام با افزایش خطر هر چه بیشتر مقابل رودر روی و اختلاف
نا پذیریا دریا محمدعلی شاه و ترس و رعب محافظه کاران درون مجلس
نقش انجمن ها در تهران ، رشت و تبریز روز بروز بیشتر می شد .
بنا بر گزارش سفیر روسیه ، عناصر محافظه کار مجلس شورا پس
از درک ناتوانی خود در برابر انجمن ها به بحث پیرامون چگونه
" سرکوب " آنها روی آوردند . (۲۴) . حرکت محمدعلی شاه سبب در همین
سمت بود . هنگامی که او به ناتوانی خود در برابر انجمن
هایی برده ، از طریق سیاسی های درباری " امتیازاتی به حجاج
محافظه کار مجلس اعطا کرد ، و در مقابل ، ارجمندانه تحسینا رات
انجمن ها را از مجلس خواست . (۲۵)

چنان که مواردا نشان می دهند ، نفوذ انجمن ها آن چنان
افزایش یافته بود که نه فقط محمدعلی شاه ، نه تنها عناصر محافظه کار
مجلس را در هراس کرده بود ، که حتی نمایندگان خارجی ایران ناگزیر
از شن دادن به نفوذ آنان در پیله سیاسی ایران بودند . یک ناظر
روسی در همان دوران در مورد نفوذ انجمن ها در میان مردم سوخت کسه
زندگی به محمدعلی شاه نشان داد که خرد کردن نوآوری ها در جامعه
ایران آسان نیست . (۲۶) مدم شمایل اعضای پیشین انجمن تبریز
که در کنسولگری روسیه در تبریز به ثبت رسیده بودند ، سه هوادار آن محمد
علی شاه ، امری که مورد تأیید وزارت خارجه در سن پترزبورگ نیز بود ،
(۲۷) نشان دیگری از روزه انجمن ها در پیله سیاسی ایران بود .

چنان که پیش از این نیز اشاره کردیم ، انجمن های دوره اول
مشروطیت ستون فقرات قدرت سیاسی جدید را تشکیل می دادند . وزیر
مختار بریتانیا در ارزیابی از این قدرت جدید در سیتا میسرسر ۱۹۰۷
نوشت : " انجمن های سیاسی ، که در حقیقت حکومت و فرمانبرمائی
مملکت را می نمایند ، کمال بی اعتمادی را از شاه و وزیرای او دارند .
در اکثر همان سال هموا افزوده که " اقتدار و نفوذ معنوی اساس
قدیم بواسطه " انجمن های محلی لغو ، بلکه سببم گردیده و مجلس نیز
نمی تواند احترام و نفوذی برای خود ایجاد ا جاد نماید " . وزیر
مختار بریتانیا ، نا مشاهده " قدرت روز افزون انجمن ها در دلسا می
همان سال تا کیدورزید که " قوه حقیقی مجلس " بر انجمن ها " اتکا
سافته بود .

در آستانه کودتای محمدعلی میرزا بر ضد حکومت مردم ، یعنی
در سوم ژوئن ۱۹۰۸ ، وزیر مختار بریتانیا گزارش داد که انجمن ها " در
مددی بودند " که بعضی از وابستگان شاه را ، که با آن ها اختلاف داشتند
" اخراج نمایند و معض آن که شاه را مجبور به قبول خود نما یند مسمی
در تخویف [ترساندن] کلیه قاجاریان دارند . "

مورد خاص بسیار رجال ب دیگری از گوش های انجمنین ، نمونه
فعالیت طلاب مدرسه امضا ن بود . موافق گزارش سفیر روسیه
" ناراضی " طلاب از روحانیون ، که بر " تمام املاک موقوفه " مساعد
دست برده بودند " ، بزودی ریختن تنش آمیز به خود گرفت . اقدامات
آقا کمال (فرزند بزرگ آقا نجفی ، ملای شروتمند امضا ن) بر ضد
طلاب موجبات تشنج هر چه بیشتر ایشان را در برابر روحانیون سبب بزرگ
فراهم آورد ، قسمت اعظم اهالی شهر جانب طلاب را گرفتند که در اثر
اقدامات خود کما مانه " مجتهدان بزرگ از امکان ارضای خواست همای
اولییه خویش محروم مانده بودند . در نشست های متعدد طلاب و هوادار
ران آنان به سمت در کنسولگری روس و حتی اقدامات جدی تری بر ضد
روحانیون بزرگ رای زده شد . اما بزودی نیروی انجمن طلاب ، روحا
نیت بزرگ را چنان در هراس کرد که اعطای " امتیازاتی " چند به طلاب
را پذیرفتند . (۲۵) تا آنجا که به پیش و چوچی در میان طلاب معتسرس
دست بردند .

دخالت انجمن ها در امور حکومتی (محلی) تا حد سرکشی به امور
نظامی نیز پیش رفت . انجمن ایالتی مشهد نه تنها " بی نظا می
در امور قوای نظامی دامن می زد ، بلکه حتی از قهران پیرامون
اختصاصی بودجه به نیروهای محلی توضیح خواست . به نظر انجمن مشهد
قوای نظامی که بوده " سگینی را می بلعید به هنگام بنا ز در اختیار
نمود . افزون بر این انجمن مشهد خواستار بر کناری وزیر داخله ، آصف
الدوله ، شد ، زیرا ، بنا بر نظر انجمن ، امور نظامی خراسان به هنگام
ما موریت شخص اخیر در هم ریخته شده بود . (۲۶)
گاه دخالت انجمن ها ، که اراده " سرکوب شده مردم را باز می
ناید ، تا حد دخالت در امور سیاسی چون توقیف سیاستمداران سبب بزرگ
مملکتی پیش می رفت . نمونه آن دستگیری ناصر الملک توسط اعضای
انجمن شهر قزوین بود . (۲۷)

فعالیت انجمن های تهران پس از کودتای از کودتای نخستین
و با فرجام محمدعلی بر ضد مشروطه " سرگرفته شد . در آن هنگام ، بنا بر
گزارش جرج چرچیل ، دبیر شرقی سفارت بریتانیا در تهر " سران در
یا بیخت " " صورتی " سامی یک صدا انجمن برای سفارت برداشته شد ،
که سهم شری آنان انجمن آذربایجان است (به ریاست تخی زاده و دارای
۲۹۶۲ عضو) انجمن ها اتصالا " به کاری پلیتیکی می پردازند " همسین
انجمن های تهران به دعوت انجمن طلاب با بیخت در جلسه ای که در مسجد
مژوی برگزار شد مجازات قاتلان فریدون (زورتنکی مشروطه خواه
مقتول) را خواستار شدند . در همین هنگام ملک المتکلمین ، که مدتی
بود ممنوع الخطابه شده بود ، طی سخنرانی مفصلی در حمایت از انجمن های
شهره فقط مجازات قاتلان را که حتی تنبیه وزیر جنگ را نیز خواست



آخر همان سال میلادی به ۱۴۰ سالگی می شد. با نفوذترین و گوشه‌ترین این ها انجمن آذربایجانیان مقیم تهران بود. در پیکان ۱۹۰۷ (شهریور ۱۲۸۶) انجمنی نیز از زنان تشکیل شد. حتی کارمندان سفارت خانه و کنسول گری های خارجی در تهران سیر به سازماندهی انجمن ویژه خود دست زدند.

در شهر رشت، در همان تاریخ ۱۲ انجمن وجود داشت: انجمن مجاهدان، انجمن مالکان به نام صفا، حقیقت از جوانان، انجمن کبیر، (اربشه روان)، انجمن فاطمه (از پیدمسا)، انجمن معرفت آذربایجان (از اشراف)، انجمن صداقت و انجمن روحانی (از طلاب)، انجمن شرافت (از بلایان)، انجمن خیریه (از کارمندان)، انجمن حسین (از پیش سازان) و دو از همین آنگاه همان انجمن ملی رشت بود. در کرمانشاه، انجمن حقوق به همست سلیمان میرزا اسکندری (سال ها بعد موسس حزب نوده) برپا شد. انجمن های سعادت، طلاب، تجار، شاهزادگان، خان ها و اربابان به نام حکمت، انجمن دالان (بازار)، انجمن مالکان مصلحه فیض به نام انجمن فیض مصلحه شهر نومه نام مسعودت، انجمن اهالی محله ملا عباس علی به نام مساوات، سیزده ان شهیدید آمدند. در اوخر همان سال ۱۹۰۷ میلادی، انجمن مرکزی (با محلی) شهر کرمانشاه مرکب از نمایندگان انجمن های گوناگون شهر به همست سلیمان میرزا اسکندری ریخت گرفت.

در شهر مشهد، در کسار دیگران انجمن ها، کارکنان دین پایه محمد امام رضا برای دفاع از حقوق خود در برابر خودگامگی متولیان امام رضا الحقی برپا داشتند. در کرمان نیز افزون بر دیگر انجمن های شهر، انجمن شال باقان و قالی باقان نیز وجود آمد. در تبریز حقیقت انجمن دانشجویان و زنان " بزرگان " تشکیل شد. در بندر لنگه انجمن های شعبان و سنیان در کنار دیگران انجمن ها تأسیس شدند. ابوالفادامه می دهد:

انتخاب نمایندگان انجمن های ایالتی و ولایتی و شهری، معمولاً توسط اعضای اصناف انجام می گرفت. نمایندگان تجار (به عنوان ایوانف " بورژوازی)، اربابان زمیندار و روحانیون اکثریت قریب اتفاق انجمن های ایالتی و شهری را تشکیل می دادند. تعداد پیشه وران و خرده مالکان در این انجمن ها بسیار اندک بود.

ایوانف بر اساس گزارش های ما موران سیاسی روسیه و ما در این حال در چارچوب آیدشولوزیک ویژه مورخان شوروی می نویسد که پیشه وران " تجار و پیا شخصیت های مذهبی را به نمایندگی خود بر می گزیدند."

متأسفانه نه اسناد وزارت خارجه روسیه تزاری و نه خود ایوانف روشن نمی دارند مقصود از " بزرگان " چه بود.

پس می سبب نبود که ایوانف لنگی بکار گزارا امپراتوری روسیه نوشت که مجلس اول " به انجمن های آشوب طلب منگی بود. همین آشوب طلبی، " یعنی خلق قدرت از دستمگران و دست نشانگان قدرت های خارجی بود که محمد علی میرزای متجا وزرا و ادانت که پس از سرکوب مجلس اول و مشروطه، به دنبال نماج ملایمی چون نسوری در مدتها سپس " مجلس مشروطه " برآید و در توجه آن اعلام داد که اقدام او برای جلوگیری از مفیدین، انجمن ها و نمایان مذهب و حفظ " قوانین اسلام " و بر طرف کردن " تمام آثار افتشاش " و " سعوتسا امنی وانجمن ها " انجام گرفته بود. بنا بر گزارش و سر مختار بریتانیا، شاه می خواست " انجمن ها که بدون هیچ حقی در امور دولت مداخله می نمایند و عمل آنها بیش از حد همتند [] بر چیده شوند." (۲۸)

انجمن های دوران مشروطیت از دید یک مورخ شورویست

متگامی که با نخستین طرح این نوشته در سال ۱۹۲۸ به زبان فرانسه افکنیدیم، و پس آن را نشر دادیم، هنوز در نوشته ما ایوانف در این موارد آگاهی نداشتیم. در این فاصله شرح های از فضل مربوط به انجمن ها از کتاب انقلاب مشروطیت ضمن خبر به دست ما رسید. اهمیت این نوشته ایوانف در کلیشه های رایج مورخان شوروی نیست، بل در مراجعه او به بایگانی رسمی دولت تزاری است که دارای اطلاعات سرشاری پیرامون همین مسئله در دست ما است. از این رو، پرداختن استقادی به این نوشته ایوانف ضروری است. ایوانف با این می آغاز زد که نویسه " بریغ فعالیت " نوده های مردم " به سال ۱۹۰۷، در پیدایش انجمن ها، که در همه نقاط ایران ریخت می گرفتند، بازمی تانید. در این زمان انجمن های گوناگون سازمان می یافتند، در کنار انجمن های ایالتی و ولایتی و نیز شهری، انجمن های سیزیدیمی آمدند که بیشتر به " کلوب های سیاسی و جمعیت های گوناگون " شباهت داشتند. در قباستان ۱۹۰۷، در مالگرد امطای مشروطیت بیش از ۴۰ انجمن وجود داشت. تعداد این انجمن ها

ما ترجمه این بخش را مدیون فرهاد کتا و زهستیم. ایوانف در ۱۹۵۲ (صفحات ۵۵-۱۴۵)، پس نکتہ رانیز همین جا به ما میگوید که " شورویست " را در این جا به معنی منسوب به اتحاد شوروی به کار برده ایم. چنان که آشکار است خود شوروی مفت واژه سورا است. تذکرات این نکته لازم است که مفت " شوروی " نخستین بار در ایران به معنای " شوروی " در برابر لفظ CONSULTA TIVE بکار برده شده بود، یعنی در سال های پس از شکست استبداد صفیوس. در آن دوران از مشروطه به معنای " حکومت شوروی یاد می کردند. نگاه کنید به چاپ جدید کتاب آبی، تهران، ۱۳۶۲.

مذهبی ، اربابان و تجار سرگزیده شدند. در اینجا حاجی علی اکبر فتحاشی (نائب) و حاجی محمد کاظم (تاجرشبه) سیزدهوی پیشه‌وران انتخاب شدند. در تابستان ۱۹۰۷، یک سال پس از امضای مشروطیت ، ۳ روهانی ، ۴ پیشه‌ور ، و دوازده مالک ، به عضویت انجمن شیراز برگزیده شدند. ایوانف ، سپس در جمع بست خود می آورد که در سال ۱۹۰۷ میلادی ، اکثریت اعضای انجمن های شهری (ایالتی) را تجار ، اربابان یا شخصیت های مذهبی تشکیل می دادند. در تبریز ، حاجی مهدی کوزه‌کنانی ، خارجی ثروتمند ، نظام الدوله و مصراالدوله از مالکان بزرگ ، در دوران های مختلف در رأس انجمن قرار داشتند. در همان سال حاج محمد رضا مجتهد ، در رأس انجمن گیلان ، و عبدالرسول بزرگ ترین تاجرو شهر ، در رأس انجمن آن شهر قرار داشتند.

با توجه به نقش مهمی که تاجرو اربابان در دوران پیشه‌وران و حتی نزدیک به آنان ، در حین ضد دخالت خارجی از نسبت تباکوف یا حتی قبل از آن ، کس کرده بودند ، شکفتن آوریست که اینان در مصفا اول نمایندگی فرا گرفته بوده باشند. با به هم چسبیدن توجه داشت که در آن زمان سوز سنج مودرنی در ایران وجود نداشت که کارگران آنجا ستواسد نقش مهمی در جنبش ایفا کنند. بیشتر دهقانان و صنعت‌گران ویران شده نیز به مهاجرت روی می آوردند ، و بنا بر این نمی توانستند در انجمن های روستایی یا شهری نقش فعالی ایفا کنند. افزون بر این ها ، قشرهایی که مستقیماً می توانستند از دخالت خارجی در اقتصاد دوستان ایران منفرود و نسبت به این ضرر آگاه‌هسی ای نمی کسب کنند ، همان هایی بودند که نمایندگان انجمن در انجمن های انتخاب می شدند.

اما چنان که دانسته است ، با رشد مبارزه و شمعین آن طی سال های ۱۹۰۹ - ۱۹۰۸ ، و سوز شکرک فعال مجاهدان و فدائیان ، که مدتها از میان کارگران نویای ایرانی مقیم قفقاز برخاسته بودند (یعنی همان دهقانان و صنعت‌گران ویران شده در جلای وطن) و آن همسب تحت هدایت اجتماعین - ها میون قفقاز و ایران ، آرایش انجمن ها ، سوز و در گیلان و آذربایجان تغییر یافت .

در مورد نوع فعالیت انجمن های انقلابی مشروطیت ، ایوانف با تکیه به گزارش های مسئولان سیاسی روسیه در ایران می افزایش کوشش آنان در پیوند های گوناگون انجام می گرفت . انجمن های بر قدمقات مرشمع دولتی و " امپریالیست " های تبلیغ می کردند و می گویند احساسات میهنی را بیدار کنند ، برای تأسیس مدارس و کارخانجات صنعتی و نیز بهبود وضع شهرها اقدام می کردند ، مدرسه کتابخانه ، و درمانگاه می گشودند ، برای ایجاد بانک ملیسی پول کرده می آوردند . برخی از انجمن ها منسی در جهت تأسیس شرکت های تجاری و ایجاد کارخانجات صنعتی و استخراج منابع طبیعی گام هایی برداشتند . برخی از انجمن ها پیشگامان مبارزه

اما از آنجا که همیشه جزئیات پژوهش را عرضه نمی کند ، این گفته اربابان و پیشه‌وران احتیاط تلقی کرد . اومی آورد : چنانچه از انجمن های می که مستقیماً در روستا ها ریخت می گرفتند چشم پوشیده شود ، منسی توان گفت که " دهقانان در انجمن ها شرکتی داشتند " ، وقتی در انجمن های روستایی نیز اکثریت نمایندگان از میان شخصیت های مذهبی و خرده مالکان بودند . اومی اعزاز در رهبری انجمن ها در سال ۱۹۰۷ تقریباً به طور انحصاری در دست اربابان و روحانیون بود . بدون آنکه خواسته باشیم نفوذ برخی از روهانیون فعال را در نسبت مشروطه و جنبش انجمنین منکر شویم ، باید به داری ایوانف را در این مورد نیز به دیده تردید بگیریم ، زیرا ، سوز آنجا که انجمن های محلیسی بر اساس حرفه ، شغل ، یا صنف تشکیل می شدند ، تا به نیا زهای ویژه اعطای خود جواب گویند ، به بعضی می توان پذیرفت که مردم گمانی را برگزیده باشند که از نظر منافع ، با خود ایشان در تضاد بوده ، یا شاید حتی از حرف ایشان نیندشه یا ششملاً به بعضی می توان پذیرفت که روستا - میان این یا آن دهکده که چنانکه در زیر خواهیم دید ، بخاطر مبارزه با اربابان به می غاستند . امورتولید در دست خود می گرفتند ، خرده مالکی را به نمایندگی خود برگزیده باشند ، یا این که ایوانف توسط دارنده دهقانان در انجمن های خارج از روستا ها شرکت چیده باشند . اما وضع شهرها دیگر بود . ایوانف بر پایه گزارش های محلیسی شونف ، سرگنمول روسیه در تبریز می نویسد که انجمن ایالتی (ماسی شهر تبریز) دارای ۲۲ مفیوود ، از اینان ، ۳ نفر از مالکان بودند ، از این به من ، یکی در عین حال مراف و دیگری تا چربود ۴ نفر دیگر از تجار ، ۴ نفر از قالی بافی بودند . ایوانف می افزایش که ظاهراً گزارش دهنده از شغل سه تن دیگری غیر بود .

ایوانف همچنین می افزایش که مجتهد بزرگ تبریز ، حاجی میرزا حسن و دیگر شخصیت های مذهبی و نمایندگان " اشراف " چون نظام الدوله در موارد مهم ، با استفاده از معی رای شمعی کننده در جلسات انجمن شرکت می چیدند . و زنده تجار ، اربابان و روهانیون در میان اعضای انجمن های دیگر ایالت و شهرها ، با زهم بیشتر بود . به عنوان مثال ، در انجمن (ایالتی) کرمان تنها شخصیت های مذهبیسی کارمندان عالی رتبه ، تاجرو مالکان به عضویت رهبر برگزیده شدند . در آغاز سال ۱۹۰۷ از ۱۲ عضو انجمن بوشهر به زده تن تا جریودتند ، شغل نفر دو از هم که تنها بق رانان مفیوهران نمایندگی می کرد ، روشن شده است . در خراسان در انتخابات مجدد در ماه مه ۱۹۰۸ ، شخصیت های

(*) تداخل ویژه در مناسبات تغییر یافته در کشورهای چون چین و ایران . در این مورد نگاه کنید به جلد هشتم سنا دتاریخی (آثار سلطنتزاده) و نیز در اسد مقاله مربوط به شیوه تولید آسیای در همین مجله سسه ، شماره ۴ .



از گزارش های سیاسی ماموران روسیه تزاری می آورد که "انجمن رشت اداره کننده" واقعی ایالت است.

در مورد خراسان نیز ابوالخیر همان را که در بالا یاد آوردیم، گفته می افزاید: "انجمن بنا بر شکایت اهالی محل مقامات محلی دولت را به مشاهد فرامی خواند و گاه آنان را به حبس محکوم می کرد. به گزارش های مالی رئیس قشون خراسان رسیدگی می کرد. انجمن بر ضد خود کامگی مقامات دولتی و اعدائیات زیاد از حد کام برمی داشت. در آغاز سال ۱۹۰۷، انجمن دیوار کوب های در شهر نصب کرده طی آن ها مردم را به این فرامی خواند که بدون موافقت انجمن مالیات های نپردازند. به دستور انجمن صدور گندم از خراسان ممنوع شد. بسیاری نان قیمتی ثابت تعیین شد. تریاک خانه ها بسته شدند، و البته تحسین نفوذ روحانیت مشهود، فروش نوشابه های الکلی ممنوع اعلام شد. در این شهر نیز انجمن دست به کار گشودن مدرسه، کتابخانه و درمانگاه شد. انجمن های خراسان مسائل سیاسی را نیز طرح کرده، لغو قاتل کابینتولاسیون را پیش کشیدند، و مردم را به تحریم پوشیدن البسته ارواکی و تحریم کالاهای خارجی دعوت می کردند. در دیگر نقاط خراسان هم فعالیت بر همین سبک بود. در سبزوار انجمن شهر، حاکم را واداشت تا مالیات های اضافی اخذ شده از مردم را به ایشان باز پس دهد. در جنوب فعالیت های انجمن از همان آغاز یکی مسند انگلیسی به خود گرفت. انجمن بندر عباس مسئله خرید و واگذاری تلگراف خانه انگلیسی و حفاظت راه پستی بندر عباس - کرمان را، که در دست انگلیسیان بود، به مجلس عرضه داشت.

انجمن ها و تجار جنوب ایران، در اوایل سال ۱۹۰۷ و آغاز سال ۱۹۰۸ تحریم شرکت گشتی "بریتیش ایندیا" را، که بین سنا در خلیج فارس و هندوستان در رفت و آمد میبودند، سازمان دادند. در اینجانبی انجمن های گشودن دبستان، کتابخانه دست زدند. در بندر عباس انجمن شهر برای تأسیس مدرسه ای گام برداشت و برای تأمین بودجه آن به گردآوری پول، و از جمله بستن یک خانه مالیات بر هر محموله وارداتی یا صادراتی، دست زد. انجمن شهر، در پایان سال ۱۹۰۷ توفیق یافت حکم منزل حاکم شهر را از ناصر الملک، والی کرمان، به دست آورد. سپس، حاکم جدید، که نیز بر ضد مردم اقدام کرده بود، به مخالفت مردم روپوشد. انبوه مردم شهر، تحت هدایت انجمن، حاکم را، که یکی از میثاقان انجمن را به ملک بسته بود، سنگ باران کردند. بنا بر گفته رفعت نظام، پایه گذاران انجمن، هدف آن عبارت بود از "جلوگیری از تصفیه مقامات نسبت به مردم و دفاع از مردم در

*) در اینجا باید توجه خواننده را به هر دو جنبه، ضد استعماری (دفاع از تولید های داخلی) و برابری و آزادی و آزادی که و برابری صنعت گران ایرانی و اقوام می آوردند، و کوشش در نگهداری از سنن و آداب میهن جلب کرد.

با "سپریا لیم" بودند و کالاهای خارجی را تحریم می کردند.

ایوانغ می افزاید، و ما پیش از این سیر دیدیم، که تقریباً تمام انجمن های ایالتی و ولایتی تلاش می کردند فعالیت حکام و مقامات دولتی، جمع آوری مالیات، و نیز استخدام ماموران حکومتی را تحت نظر خود قرار دهند. اینان به حساب های مالیات های اخذ شده رسیدگی می کردند. در باره ای موارد انجمن ها اداره برخی از امور را مستقیماً در دست می گرفتند، و از جمله حل و فصل مسائل قضایی منطقه با تعیین قیمت نان را. در باره ای از انجمن ها، بویژه در نقاط شمالی کشور، انجمن های گشودند تا تمام فعالیت های دولتی را خود انجام دهند، یا به عبارت دیگر خود ماموران را بگریزاندند. این انجمن ها از پذیرفتن حکام و والیان منتخب شاه سرباز می زدند، و گاه خود ماموران مهم و روسای پلیس را از اسامی منصوب می کردند، یا در دیگر نقاط از مأموران دولت مرکزی گزارش ماموران می خواستند. موردی بر مبنای ما ناگفته نماند، و فعالیت انجمن شهر بود. چنانکه ابوالخیر می نویسد، در اغلب موارد تصمیم های انجمن ایالتی از احکام جانشین والی ایالت، نظام الملک، اهمیت بیشتری داشت، زیرا مردم طبیعتاً دستورهای برگزیدگان خود را به رغبت می پذیرفتند و آنها را در خدمت منافع خود می دانستند. بعدها خود نظام الملک زیر فشار انجمن ایالتی ناگزیر از ترک تبریز شد.

در تابستان ۱۲۸۶، هنگامی که شاهزاده فرما فرما، که از سوی شاه به سمت والی آذربایجان منصوب شده بود، وارد تبریز شد، به قاطعیت در امور موریبت خود اختیار داشت. اما، بنا بر گزارش کارتویک، سفیر روسیه (مورخ ۲۴ اوت ۱۹۰۸، یک سال بعد) او دیگر متوجه این نکته بود که نمی تواند از میده، مسئولیتی که به عهده اش واگذار شده بود، بگریزد. در واقع مدت ها بود که قدرت محلی در دست انجمن ایالتی قرار داشت، انجمنی که با نفوذترین انجمن ها بود و در تهران هم شمه داشت و همه نمایندگان مجلس همه کلمه های آن توجه داشتند. "انجمن تبریز، نه تنها بر ضد مقامات محلی که حتی بر ضد شخص شاه نیز عمل می کرد. مثلاً، در ۲۸ مارس ۱۹۰۷ (۸ فروردین ۱۲۸۶) کاروان حامل سلاح برای شاه توسط انجمن تبریز توقیف شد. همان شب، به دستور انجمن خانه های افراد نزدیک به شاه، تفتیش شدند، و اسلحه های مکتوبه به ضبط انجمن درآمدند. در رشت نیز نقش انجمن بسیار مهم بود. در تابستان ۱۲۸۶ که ما خود در آنجا لاکتیم، ایوانغ نیز به نقل

*) روشن نیست در کمال عفا و کوشندگان آن انجمن ها از این پدیده که نخستین کتاب معروف مربوط به آن پس از شکست مشروطیت (یعنی در ۱۹۱۲) به طبع رسیده تا چه حد بود؛ اما نمی توان منکر احساسات ضد خارجی مردم ایران در آن هنگام نبود.



کردند* ایوانف به سفیر از استروگرادسکی روسی در گزارش خود سه پینر بزرگ ، مورخ ۲ آوریل ۱۹۰۷، می آورد ، عناصر رادیکال خواستار انتخاب جدید هیئات مدیره انجمن شده اند که محصورا از افراد چپ باشند. " ایوانف نتیجه می گیرد که این رویدادها حاکی از تعمیری اساسی نیروهای طبقاتی در داخل اردوگاه طرفداران جنبش مشروطه و دور شدن روحانیت ربا بان و مالکان از انقلاب بود. در دیگر نقاط کشور سیزاربا بان و بورژواها انجمن ها را در دست می گرفتند و می کوشیدند مانع تعمیق جنبش انقلابی شوند. از جمله ایوانف ، به نقل از یابگانی سیاست خارجی روسیه می آورد که انجمن رشت در بهار ۱۹۰۷، آقا رحیم، رهبر مجاهدان، را به مساحت نهبیح مردم و تشویق دهقانان به برهیز از برداشت سهم ارباب از بیلله ابریشم توفیق و به زیدان افکنند.

در عین حال ایوانف می افزاید که انجمن ها برای شاه و اربابان بزرگ و میربالیست ها خطر بزرگی را تشکیل می دادند. از همین رو مقامات دولتی و اربابان مرنج در تلاش بودند با مانع تشکیل انجمن ها شوند، با آن ها ارتباط خود ساخته از آنها به سود خود بهره ببرند.

چنانکه کسروی در مقدمه خوبی نشان داده است** ایوانف سیزار تکیه به یابگانی دولتی تزاران می آورد که حاکم گیلان در فوریه ۱۹۰۷ در کنار انجمن انقلابی گیلان ، انجمن خود را به هدایت شریعت مدار مرنج تشکیل داد. در همان زمان در شیراز نیز، قوام الملک، مالک بزرگ و مرنج ، در ورودی بی انجمن دمکراتیک شهر، انجمنی ارتجاعی به وجود آورد. گفتن ندارد که انجمن های ارتجاعی ازین دست ، چون جوابگوی خواست های پیدار شده مردم نبودند، در میان ایشان نفوذ چندانی نمی یافتند، و بزودی از میان مسمی رفتند.

در پایان ایوانف تأکید می ورزد، که کوشش ملاکان و خا ن ها در جهت ایجاد " انجمن های انحرافی و ضد مردمی نتوانست از گسترش انجمن های طرفدار مشروطیت پیش گیرد.

* چاپیش از این به این رویداد که موجب اخراج حاج حسن مجتهد، از تبریز شد، اشاره بودیم. نگاه کنید به ص ۴.

** مسوده انجمنین نشرت تهران " متشکل از اشخاص " مع سلوالم الحسالی " و نیز انجمن اسلامیه " تبریز ، که دست آویزی بود تا مشروطه خواهان را " لامذهب " اعلام دارد. همان کتاب ، صفحات ۴۸۲ - ۴۸۱.

برای ریشا و حکومت شروتمندان و برداشت موازی ، آن انجمنین از تشکیل ، از کدها بیان منطبق هم و نرمشیر خواست که در تمام موارد شوا را از انجمن کمک نخواهند. و به آنان وعده داد که بدون هرگونه نظرها می ، ایشان را از مدد قفالی می بهره نگذارند. ایوانف سپس می نویسد که نمونه های یاد شده از کوشش ها و گام های انجمن ها ، همچون کاهش و تثبیت بهای نان ، نظارت بر کسب درآمد و مالیات ، مبارزه با خودکامی حکومت و اقدامات " خدا میربالیستی " جوابگوی منافع اکثریت بوده های مردم بود. به نظر او انجمن ها در مجموع در جهت تغییر و دمکراتی شدن بورژوا ما با نه ، وضع موجود می کوشیدند. به دید او همه انجمن ها بورژواشی بودند ، لکن در اوضاع و احوال فرمائرواشی بقایای ماسیات زمیندارانه (به قول او) فئودالی (و موقعیت نیمه مستعمره ایران ، باید درست آن انجمن ها را بدون تردید " بهشرو " دانست.

اما هم در عین حال می افزاید که در وضعیت ایران ، که " بورژوازی " تازه پایه عرصه وجود می گذاشت و با زمین داری " فئودالی " میوند داشت ، انجمن ها ، به عنوان بازمان های بورژواشی از پیشین بودن بقایای نظام " فئودالی " راه دفع خود قرائتی دادند ، بقایایی که ، همراه با قشار میربالیست ها بر ایران ، مانعی بر سر راه انکشاف سرمایه دارانه اقتصاد ایران را تشکیل می دادند. ایوانف تأکید می ورزد که حتی انجمن تبریز که پیشروترین آنان بود ، برنامه ای در راستای تقسیم اراضی کشاورزی میان دهقانان را رد کرد. بنا بر نظر او ، انجمن ها حاکمی حفظ مناسبات روابط فئودالی بین ارباب و رعیت بودند. انجمن ، مگر آن ها ای که نطفه های اتحادیه کارگری بودند ، گامی به سوی حمایت از مسافع کارگران بر نمی داشتند.

ایوانف می نویسد ، که افزون بر این از همان آغاز سال ۱۹۰۷ انجمن های ایالتی - ولایتی می کوشیدند و طرح خواست های طبقاتی زحمتکشان ، که برهنگار ربا بان ، نجا رورها نیون همدست ایشان نبود ، جلوگیری کنند. در نتیجه تضاد بین مردم و رهبری های این انجمن ها پدید می آمد. ایوانف به سزاع بین مردم و رهبری انجمن تبریز به عنوان نمونه ای از این تضاد اشاره می برد. او مورد دفاع مردم صبریز از دهقانان قوه چمن را (روستایی در صد کیلومتر جاده تبریز - تهران) که مورد آزار ، کشتار و غارت ارباب قرار گرفتند می برد ، متذکر می شود. در اشراف عتراضی گسترده مردم حتی با زارها نیز بسته شد. رهبری انجمن خاطر آرام ساختن مردم ، هیأتی مرکب از چهار نفر را مامور رسیدگی به این امر کرد. اما پس از بازگشته شدن مردم ، انجمن به تحریک مجتهد و والی ، شیخ سلیمیکلی از کوشندگان رادیکال را حکم به بیرونی ازشهر داد. مردم مانع خروج شیخ سلیم شدند. سزاع به دخالت مصلحانه کشید. مجاهدان و فدائیان تقسین همی در تعمیق سرتمی هم انجمنین ایفا

انجمن های دهقانی (در شمال)

چنانکه پیش از این آمد، ایوانف، یاد دیگرگمانی که به انجمن های انقلابی پرداخته آمد، از شرکت دهقانان در انجمن های دوران مشروطه سخن بسیار نکرده اند. ایوانف می نویسد: "چنانچه از انجمن های دهقانی که مستقیماً در روستاها ریخت می گرفتند، چشم پوشیده شود، نمی توان گفت که دهقانان در انجمن ها شرکت داشتند، و حتی در انجمن های روستایی نیز، اکثریت نمایندگان از میان شخصیت های مذهبی و خرده مالکان بودند." * جای افسوس آنجاست که ایوانف، نه در تأیید این سخن خودسندی ارائه می دهد، نه به انجمن های کسبه مستقیماً در روستاها ریخت می گرفتند، می بردارد و به آسانی از آنها چشم می پوشد. چرا؟ پرسیدی است چرا این چشم پوشی؟ چنانکه در آغاز این نوشته یاد آوریم، منابع شناسایی این حرکت اجتماعی بسیار محدودند، و بسیاری از کسانی که در خفا گردن این هیئت زینت بوده اند، همچنین کوشیده اند تا ریخت این رویدادها نیز خاکستر فراموشی بپاشند. دماغیون صاحب تئوری های پیش ساخته نیز در زدودن این خاکستر فراموشی سودی ندیده اند. اما سرغم این ها، استاد دومدارک پراکنده ای از این حکایت می کنند که دهقانان ایران از شرکت در این جنبش به دور نماندند. مطابق یادداشت های کنسول بریتانیا (۱۹۰۶) در گیلان، اقدام دهقانان در آن ایالت نخست از گام های مجزا و فردی آغاز می شد. دهقانان در آن زمان به کمک زدن آریاسان و اخراج ایشیان از روستاها دست بردند. در کشوری که تا آن زمان صرف عدم آدای سلام، از جانب دهقانان به رباب میا شرا و به بهای جان دهقان تمام می شد، اقدام های چنین جسورانه از جانب متمکشان روستایی حاکمی از جفا انقلابی و خواست روستا نشینان برای به دست گرفتن سرنویشت خویش بود.

بزودی این کوشش های فردی و پراکنده جای خود را به حرکت جمعی یخشد. در ماه مارس ۱۹۰۷ (فروردین ۱۲۸۶) بنا نهادن از دهقانان، مسجد خواهرام را به اشغال خود در آوردند. هدف از بیعت ایشان مبارزت بود از اعتراض به ستم مالکان ارضی و رویگردانی از پرداخت بهره مالکانه. به نظرمی رسد که انجمن شهر رشت (انجمن ابالائی نسبت به این خواست دهقانان بی اعتنا نبود. یک ماه بعد، یکی از بزرگ ترین مالکان بزرگ، شمال مازم تهران شد تا از انجمن شهر رشت که ستم دهقانان را گرفته بود، شکایت نرود. او که ملاکسی را به همراه برده بود، اعلام داشت که آماده بود تمام ثروت خود را بدهد. همان کتاب، صفحه ۱۴۶.

راه مصرف داغان کردن انجمن شهر رشت برساند.

درواقع انجمن های روستایی شمال، افزون بر رویکرد اساسی از پرداخت بهره مالکانه، در امر تقسیم آب و امور مربوط به آبریزش سانی، صنعت بزرگ دستکارانه گیلان، نیز دخالت مستقیم می کردند.

بنا بر گفته رابینو، کنسول بریتانیا، در ژوئن ۱۹۰۷، یکی از اعضای انجمن رشت مازم لشت نشین، ملک امین الدوله (مالک سرگ شمال و پدر ملی امینی) بود. او توفیق یافت تا ۳ هزار تن از دهقانان آن ناحیه را بسیج کرده، سازمان دهد. دانسته نیست که بنا بر چه تمهیدی ویا حکمی از جانب انجمن ابالائی، این دهقانان سازمان یافته از پرداخت بهره مالکانه به مدت هفت سال معاف شدند. این عضو انجمن در بازگشت به شهر، به اتهام تخریب دهقانان به عدم اطاعت دستگیر شد. اما دهقانان مورد بیعت در دفاع از او اعلام داشتند، در صورتی که شخص مزبور آزاد نشود، آنان به شهر هجوم خواهند برد، به دنبال تهدید دهقانان، نماینده انجمن فوراً از زندان آزاد شد.

این رانیزی دانیم که در ژوئیه ۱۹۰۷، سه تن از مالکان بزرگ فوس (گیلان) نیز مازم تهران شدند، تا بر ضد اشغال زمین های خود توسط دهقانان، که ایشان میاگرانشان و ماموران دولتی را از روستاها بیرون رانده بودند، به شکایت بکشند. در ماه اوت همان سال، دولت تهران تحت سلطه مناصری که تا ریخت نگاران شش سوری "زمینداران لبرال" خوانده اند، در بیست و نهمین آری به گیلان اعزام داشت. تا انجمن های روستایی شمال را از هم بپاشد. این تصادم بین نیروهای مسلح و دهقانان به پذیرش برخی از خواسته های روستائیان توسط انجمن رشت، و از جمله لغو تحویل مرغ و تخم مرغ، پرداخت "حق شب اول مرغی" به آریاسان انجامید.

اما روستائیان، پس از پیروزی های که به دست آورده بودند،

* سعیر بریتانیا در گزارشی "خلامه وقایع یک ماهه" ایران در مورد روستائیان و انجمن رشت می نویسد: "در ظرف اسیس ماه [آوریل ۱۹۰۷] انجمن ولایتی گرفتار چندین باره متغی مغالط گردید، بطوری که رقابت و فسادیت با ایشان سبب اغتشاش و بی نظمی بسیار گشت. اها االی دها ت مایل به دادن اجازه به صاحبان املاک نیستند، جمعی از ایشان در مسجدی بنده شده و غرضشان از تمسک آن است که آنچه پیش ایشان با صاحبان املاک قرار داده شده، نپردازند."

این مبارزه شبانه ژوئیه ادامه یافت. (کتاب آبی، ج ۱، ص ۲۷ و ۶۶)



به عقب نشینی در برابر رجوع تن ندادند و نیروهای دولتی سبزدر سرکوب دهقانان توفیقی نیافتند.

در منطقه ای دیگر ازگیلان، در دیلمان، دهقانان دست به مقاومت در برابر نیروهای حاکم زدند و پس از توفیق پرچم سرخ سرافرا شدند. تنها با بسیج نیروی نظامی مبارزین و پیرومندی بود که دولتیان موفق به سرکوب دهقانان دیلمان شده. توانمند نظم ستمگران را از نو برقرار سازند.

این اطلاعات که توسط کنسول بریتانیا، راسبول، نا مین شده بود، طی مقاله ای به قلم حیدرخان همواغلی سیز (در روزنامه روسی ژبزی تا سونالستی: زندگی مصل) تابیدند. حیدرخان می نویسد: تمام این فاکت ها (اسم ها) همواره دهقانان را به مبارزه برای رهایی خود کشاند. با دست کم آرزوی عمیق آن راداران زنده نگذاشته. دهقانان، در همکاری تنگاتنگ با فقرای شهری، مسی کوشیدند نظم اجتماعی ما دلانه ای را به کف آوردند. پیمانای بیشتر به سال ۱۹۰۵، گام به گام دیده می شد که رمیت مبارزان را از روستا بیرون براند. آری پرداخت مالیات و دیگر اخاذی بر پا زنده، در روستاها، دهقانان را نجمسین های محلی انتخاب کردند. و مسئولیت گردآوری یک دم معمول را، که با دیده مبارف ضروری حکومت می رسید، به آنان وا گذاردند. (۳۰) متاسفانه با یادگفت که اطلاعات ما در مورد انجمن های دهقانی هنوز بسیار راسخ است، و پژوهش در این قلمرو تا بیستگسی بسیار دارد.

فرجام انجمن های انقلابی مشروطه

چنان که پیش از این دیدیم، در کودتای دوم و موفق محمدعلی میرزا، مشروطه و انجمن های آن غافلگیر شده، به یکباره زخم پاشیده شدند. رابطنی است که در هیچ بگ از کتب تاریخی، ایرانی یا باطری، مربوط به این دوره توضیحی، حتی مطعی بنا چیز، مختصر در مورد عقب نشینی همان نیروهای که در سال ۱۹۰۷، یعنی نخستین ما پیش، مسلحانه از مشروطه دفاع کرده بودند، داده شده است. آن دفاع نخستین و پس این "غافلگیری" و عقب نشینی یکدمت، بسی شایسته رویدادهای ۳۰ ام شهری ۱۳۳۱، ۲۵ مرداد ۱۳۳۳ از یک سو و ۲۸ مرداد از سوی دیگر نیست. توضیح تاریخی این پدیده صرفاً "ایرانی هر چه باشد، هنوز با بدبایزوهی و تعلیل بیشتر انجام گیرد. ما در این جا بر آنچه گفتنی است با گفته شده است، تاکید می ورزیم.

وزیر مختار بریتانیا که در گزارش های پیشین خود قدرت انجمن ها را به درستی ظاهر کرده بود، در فرادای کودتا، در ۲۵ ژوئن ۱۹۰۸ نوشت "ظاهراً انجمن ها شرمیده، طرفداران آنها برانرموده و شاه قنادر

ما بینه است. " هموازود که مقاومتی از طرف انجمن (نشان داده) نشد. " اودر توضیحی که پیش از کودتا داده بود متذکر شده بود که انجمن ها و مجلس " خواستار تداوم شدت اوضاع نبودند. " تا بدنبال توفیق که انجمن مطعی و سایر انجمن های آن پس از رسیدن خیرکودتا " بطور آرام و بر حسب هر حاکم محل گردیدند " و انجمن تبریز که رهبر سر ی مقاومت را تا سرکونی دستگاه خصوصی محمدعلی میرزا رهبری کرد، دو نمونه متضاد انجمن های مشروطه را نشان دهند! "

اما هنوز با توجه به مقاومت بالنده تبریز، امید به احیای مشروطه وارکان شهری، صغی و محلی آن بود. اگرچه انجمن بوشهر خود را منحل اعلام کرده بود، لکن بزودی، یعنی چند ماه بعد، در ۲۱ تیر ۱۹۰۹، وزیر مختار بریتانیا گزارش کرد که انجمن بوشهر از نو برقرار بود. " مصمم بر آن که تمام ادارات دولتی را به انضمام کمرک به زیر سلطه خود بگیرد و عایدات گمرکی را به نام ملت دربانک شاهنشاهی بگذارد. در همان تاریخ خیرتشکیل و فعالیت انجمن شهر همدان رسید. اما پیش از آن، فعالیت مجدد بسیاری از انجمن های محلی و شهری آغاز شد: انجمن مشهد در اکتبر ۱۹۰۹ عزل حاکم خراسان، رکن الدوله درخواست، انجمن محلی سیستان هفته ای به با تشکیل می شد، انجمن ایالتی یزد، انتخابات خود را انجام داد، در نوامبر ۱۹۰۹ انجمن محلی رشت از نو برقرار بود، و در ماه مه ۱۹۱۰ خبسر سزاع بین روسای عدلیه و نظمیة شهر از یک سو و انجمن شهر رشت از سوی دیگر بخش شد، حتی در ۱۵ ژوئیه ۱۹۱۰ خیرتشکیل انجمن ولایتی اصفهان به لندن مخابره شد، اگرچه معلوم نبود که " کار چندان سی انجام دهد. " در ژوئیه و اوت ۱۹۱۰ هنوز خیر وجود انجمن و " تنفر آن و نیز مردم شهر از حاکم کرمان جدی گرفته می شد. در پنجمین سال همان سال انجمن ولایتی اصفهان در حال مذاکره با دولت دوله قشقای قرار داشت. گزارش فعالیت برخی انجمن ها حتی تا بهار سال ۱۹۱۱ به گوش می رسید. در ماه مارس ۱۹۱۲ انجمن ایالتی یسزد رسیدگی به پولی که برای مستحقین راه به حکومت داده شده بودند احفاد به دهقانان در امور مالیاتی را از وظیفه خود دانست. در ماه مه همان سال گزارش شد که میان حاکم و انجمن ملی یزد خوب نبود و لذا انجمن نمی توانست کار زیادی از پیش برد. "

گزارش های بالا اگرچه آزادانه حیات انجمن ها حکایت می کنند، اما در عین حال، به ضعف روز افزون انجمن ها نیز اشاره

۱) کتاب آبی، یکم به ترتیب ص ۱۹۶، ۲۴۰، ۲۱۵ و ۲۵۰.

۲) کتاب آبی، به ترتیب ص ۷۰۱، ص ۷۳۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶ و جلد چهارم (ص ۸۶۸، ۸۹۲، ۹۱۲، ۹۳۲، ۹۲۵) و نیز جلد پنجم (ص ۱۰۲۹ و ۱۰۷۶).



انجمن ها پس از انقلاب اکتبر

پس دانیم که جنبش جنگلیان ، که در اوایل جنگ جهانی نخست آغاز زنده بود ، در حرکت خود با فراز و نشیب های روبرو بود ، پس از رویداد انقلاب اکتبر در شمال مرزهای ایران ، جانی تازه گرفت . اما تا آنجا که اطلاعات ناقص ما حکم می کند ، به نظر می رسد که در دوران جنبش جنگل ، در میان دهقانان حرکتی به سوی تشکیل انجمن های دهقانیسی یا حتی شهری پدید نیامد ، اگرچنین حرکتی وجود داشته باشد اثباتی از آن ثبت نشده است .

اما بنا بر اطلاع وابسته نظامی فرانسه در تهران ، دهقانان استر آباد (گرگان) در آن زمان انجمنی برپا داشتند . علی بن ابراهیم نوری در آن که اطلاع دقیقی به دست دهد ، تا به پیدای گند که طی سال های ۲۱ - ۱۹۲۵ ، انجمن های انقلابی در شمال پدید آمدند . (۳۲) غالب توجه است که طی پیام محمدتقی خان پیمان در خراسان ، بسیاری از دهقانان آن خطه ، اربابان یا مباحثران ایشان را از روستاها بیرون راندند و از برداشت " سره مالکانه " سر بازمی زدند . اما متأسفانه در اینجا نیز اطلاع ما به همین ذکر خاتمه می یابد . (۳۳)

انجمنین در آغاز جنبش و سلطنت رضا خان

چنان که دانسته است ، پس از سرکوب نهضت های جنگل ، خراسان و تبریز در سال های پس از پایان جنگ جهانی اول ، و به دنبال کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ، آهسته آهسته در اثر اعمال وعدم شناخت نیروهای مترقی از جامعه رفاغان ، و نیز فرمت طلسمی بسیاری ، قدرت رفاغان افزایش یافت تا جایی که او سرانجام براریکه پادشاهی تکبیر و دوران سیاه اختناق و تهاجم فرهنگی را به جامعه سلطنتی آراست . این تغییر خاتمه سلطنتی ، تا این که در نظام سیاسی کشور تغییر سطحی بود ، اما در زندگی دهقانان ایران تغییری محسوس پدید آورد ، بویژه بلافاصله پس از دست اندازی رفاغان ، نه فقط بر مالک زمینداران بزرگ و متوسط ، که حتی اراضی کوچک ، مالکان کوچک و سیزدهقانان ۱۳۲۰ این دست اندازی اگر چه با شغف رفاغان آغاز شد ، اما بزودی به افسران ارتشی ای که یار و یاور و در اختیار حکومت اختناق بودند ، نیز گسترش یافت ، که به تقلید از ارباب خود برخاستند .

رفاغان ، به مثابه مالک دهقانان را حتی به نحو شدیدتری استثمار می کرد ، یعنی به مراتب شدیدتر از آنچه تا آن زمان توسط اربابان پیشین انجام می گرفت . رفاغان با چنگ اندازی به آرامی حاصلخیز مازندران ، موطن خود ، آغاز شد . او در مازندران از مردمانی یک سوم محصول هر جریبی را تصاحب می کرد . (۱۲ تا پانزده تومان برای هسیر جریب ، در حالی که مالکان دیگر بیش از ۵ تومان از هر جریب تصاحب می کردند) خطر تصاحب زمین ها توسط رفاغان و نزدیکان او ، مالکان

دارد ، اما با پیچیده داشت که در سرنا به ای که " ملتیان " پیش از فتح تهران توسط وابسته نظامی بریتانیا (در ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۹) ارائه داده بودند ، مورد تأیید سپهبد ارشنی سردار اسعد بختیاری نیز بود ، دکتر شده بود که ناموقع اجتماع مجلس ، انجمن های ایالتی و ولایتی و زرا راعمین [می] نمایند و بمذموماتی قانون رفتار شود .

اما در سرنا معای که دولت سپهبد ربه مجلس دوم ارائه داد (با زده مارس ۱۹۱۱) کوچک ترین اشاره ای به حفظ و تقویت انجمن نرفته بود . چند ماه پس از آن همان سپهبداری که به مدد مجاهدان ایرانی و قفقازی به فتح تهران نائل آمده بود ، طی " قانون نظامی در ژوئیه ۱۹۱۱ میلاد کرد که " تمام اجتماعات و انجمن ها تا وقتی که قانون نظامی مجری است [باید] متروک باشند ... در صورت مخالفت و مقاومت اشخاص که مقصود از این شونده محکمه نظامی آورده شده ، و محکوم به مجسازات خواهند گردید . " این سرکوب ارکان اساسی مشروطه یعنی مجاهدان به سرکردگی سردار بزرگ ستار انجام می گرفت که در قطع صلاحیت اجتماعات عامیون و نیز مجاهدان سهمی عمده داشتند . گفتن دارد که در مراغه به فرقه " دمکرات ایران " که حزبی بود متنازرا زنبوسوسا ل دمکراسی فقار (و مدل حکومتی زاکوسین ها در انقلاب کبیر فرانسه) و لذا بسیار منکر ، کوچک ترین اشاره ای به لزوم حکومت فدرال و تقویت انجمن ها یا ایالتی و ولایتی نرفت . در حالی که در سرنا مع " جمهوری ممالک متحده ایران " که به دست دهقانان و دولت آبادی ، که از بیوسن به فرقه " دمکرات جذب کرده بودند ، نگاشته شده بود ، به ضرورت حفظ انجمن ها تا کید رفته بود . در آن بر نامه آمده بود : " در اسران انجمن های ایالتی و ولایتی به خوبی می توانند کارهای خود را اداره کرده ، و غالباً اقتدارات شخصیات که اسباب هرگونه اجحافات و هرج و مرج شده ، و به نفع دیده شده است که ولایتی که حاکم نداشته باشد ، امن تر بوده است ، چه برسد به این که انجمن ایالتی داشته باشد . " *****

* کتاب آبی ، جلد سوم ، ص ۶۴۳ (** همان شرح ۵ ، ص ۱۰۴۴)
*** همان جا ، ص ۱۱۳۳

**** در مورد فرقه " دمکرات نگاه کنید به اسناد تاریخی ... جلد ۱۳ ص ۲۶ - ۱۲ و نیز جلد نوزدهم ص ۲۴ - ۱۳۱

***** اسناد تاریخی ، جلد سیزدهم ، ص ۲۸



اراضی ما زندران را بر آن داشت که استیفا و عود از دهقانان را در مسدود زمان کوتاهی ، که مانده بود ، هر چه بیشتر تشدید کنند (۳۵) افزایش بیگاری ، ناتوانی رژیم در به راه انداختن اقتصادی که هنوز در زیر ضربات جنگ جهانی قرار داشت ، خزانه خالی دولتی ، فساد بی حد و سرز در دستگاه حکومتی ، بویژه در میان تازه به دوران رسیده های نظامی و اداری که اطرافیان رضاشاه را تشکیل می دادند ، همه این ها بیسوسه و خاست و فواع اقتصادی و بحران سیاسی کشوری افزود ، فرار سربازان ای که از فقرهای محروم جامعه در ارتش خدمت می کردند ، پدیده ای رشد یافته بود ، بنا بر یک گزارش وابسته نظامی بریتانیا ، به سال ۱۹۲۶ ، سربازان ارتش ، به مدت ۷ ماه از دریافت حقوق ناچیز خود محروم مانده بودند ؛ دربارهای مواج عدم پرداخت حقوق اندک سربازان آن گرسنه به ۱۵ ماه نیز رسیده بود . مقامات رسمی دولت این عسکرم پرداخت حقوق سربازان را به این نسبت می دادند که مستشاران مالی آمریکا در ایران هنوز به مبارزات ارتش نظم نیکه نبوده بودند . اما بنا بر گزارش منابع سفارت بریتانیا ، مستشار آمریکایی ، میلیسیو ، وجوه لازم را مرتباً " در اختیار روزا ارت جنگ گذاشته بود . وابسته نظامی بریتانیا می افزاید که جومی که متعلق به سربازان بود " مسلماً به اختلاس رفته بود " (۳۷)

" در حالی که هر افسر فرمانده پادگان مستقل به ثروت خود می افزود ، در ارتش ، بجز آبا و اجداد دیگر شهرهای ایران سربازانی دیده می شدند که لباس پاکش های خود را می فروختند . ۲۹ برخی از سربازانی که هاستگا های روستایی داشتند ، در وضعیت آنچنان مایوسانه ای قرار داشتند که حتی زنان خود را به همشامی داشتند . (۳۸) در چنین جزئیات امیدانه ای بود که در تابستان ۱۳۰۵ در شمال ایران به حیزش انقلابی انجمنین روی دادند و در گیلان ، آذربایجان و خراسان ۴

خیزش خودرگیلانی

در تابستان ۱۳۰۵ ، یک سال پس از به تخت نشستن رضاشاه ، ابراهیم خان ، آهسرجوان فراری ارتش ، که بخاطر مردم اطاعت و سرپیچی از افسر ارشد خود در دادگاه نظامی محکوم شده بود ، در منطقه جنگل قومس گیلان ، یعنی همانجا که میرزا کوچک خان ، مرکز عملیات خود را مستقر ساخته بود ، آشکار شد . دهقانان قومس ، که از نقطه نظر سوق الحیثی برای عملیات پارتیزانی بسیار مناسب بود ، وضعیت بسیار رو به زوالی داشتند . : ۷۵ در میان دهقانان کلا از زمین محروم بودند و ۲۵ درصد اینان جز قطعه بسیار کوچکی زمین نداشتند .

ابراهیم خان با این آغازید که تمام بنا گردندان رژیم رضاشاهی در گیلان ، بویژه سربازان فراری از ارتش ، را با اسلحه های خویش به

گرد خود آورد . ۱۲۰ در همان آغاز اقدام به تشکیل فوجی کرد تا توسط آن به دستگاه های دولتی بتا زد . او دهقانان را به این فرا خواند که از پرداخت " بهره مالکانه " به ارباب سربازان (۴۳) بزدی سربازان مراری دیگر سفاک کشور ، در مرکز و شرق ایران ، باشندین خبر خوشی وی به او بپیوستند .

در حالی که ابراهیم خان در جنگل به اقدامات نظامی دست می زد ، کمیته های سری انقلابی در شهرهای انزلی و رشت تشکیل می شدند ، اعضای این کمیته های سری مبتدا از فراری شهری و صنعت گران بودند ، یکی از این کمیته ها نا کمیته " آهن بر خود نهد " این کمیته ها با ابراهیم خان در جنگل تماس سرفرا کردند و او را از حرکت ارتش شمال ، که برضند جنگلیان می جنگید ، آگاه می ساختند . دهقانان با نامین آذوقه برای جنگلیان و بینهان کردن ایشان ، در مقابل ارتش رضاشاه از آسان حمایت می کردند . (۴۴)

در یکی از اعلامیه های که ارتش شمال خطاب به دهقانان صادر کرد گفته می شد که " برخی از دهقانان ، به پیروی از فراخوان ابراهیم خان ، از پرداخت بهره مالکانه به مالکان سربازان ، برخی در میان اهالی به جمع آوری پول ، آذوقه برای باغبانان دست زده اند ، برخی دیگر خانه زمین های خود را ترک می کنند " به او می پیوندند . ارتش شمال " به همه دهقانان حکم می کند که بهره مالکانه خود را بپردازند و آسایشی که ترک خانه کردند فراموش می دهد که با ز کردند " (۴۵) نگرانی دولت تهران و مالکان بنا بر شدت جدید جنگل افزایش می یافت . نگرانی انگلیسیان نیز کمتر نبود . شیخ انقلاب پیشین گیلان به سال های ۱۹۲۱ - ۱۹۱۵ در پیش چشم همه ایشان ظاهر بود . سر لشکر خزانی در این یک قشون ضربتی نظامی متشکل از پیاده نظام ، توپخانه ، سوار نظام ، لشکر کتی به شمال را برای تنبیه و سرکوب جنگلیان سازمان داد . در همان زمان ، ارتش به دهقانان هشدار داد که اگر از " باغبان استقبال کنند یا آذوقه ایشان را تا زمین بازند " ... یا حتی اگر سرفرا ایشان را شهید کنند ، با ارتش را از محل اختفا و اقامت ایشان آگاه سازند ، روستاهای ایشان به ضبط دولت در خواهد آمد ، و خانه های کسانی که به باغبان بنا داده باشند ، ویران خواهد شد (۴۶)

بنا بر گزارش وابسته نظامی بریتانیا در ایران (۴۷) نخستین برخورد ردهین ارتش با شاه و نیروهای مبلغ دهقانی ابراهیم خان در منطقه " طالش روی داد . پس از این نبرد ، ارتش شاه شکست خورد و بنا بر گزارش عقب نشینی و درخواست نیروهای کمکی از تهران شد . طی این لشکرکشی سر لشکر خزانی دستور داد ، دهکده های را کلا ویران کنند ، دهقانان را به زیر شکنجه بگیرند ، آنان را وادارند محل اختفای انقلابیون جنگل را به زبان بیاورند . انقلابیون که در ارتش را روز بروز از تسلط آذوقه و اسلحه و مهمات در منطقه فراری گرفتند ، در برابر نیروی ارتش



چندسرا بر خود شکست خوردند. در آغاز آذرماه ۱۹۲۶ بخش مهمی از خیزشیان دستگیر شدند. اما ابراهیم خان هنوز به جنگ رژیم نیتفا ده بود. یک دادگاه نظامی ۲۲ دهقان و سربازان فراری از ارتش را به مرگ محکوم کرد. دهقانان را به دار آویختند، سربازان را تیرباران کردند. این کشتار در ۲۷ فوریه (بهمن ۱۳۰۶) در میدان عمومی رشت انجام گرفت. چندی بعد ابراهیم خان نیز دستگیر و به جوعه تیرباران سپرده شد. آغا زبیده بود، و با حمایت کامل دهقانان گیلانی روبرو شده بود. در برابر ارتش با چند سرباز نیرو، از پای درآمد و استقامت دهقانان به دست زبندگان از سر گرفته شد.

قیام سلماں (آذربایجان)

در نیمه شب ۲۳ - ۲۴ ژوئن ۱۹۲۶ (دوم - سوم تیرماه ۱۳۰۵) - سربازان پادگان سلماں، در آذربایجان، به پا خاستند، افسران خود را دستگیر و تیرباران کردند. این رویداد عبارت بود از خیزش سربازانی با خاستگاهی دهقانی بر ضد دولت مرکزی ایران. این خیزش به دنبال یک سلبه نشیت های مخفی سربازان فوج سوار نظام رخ داد که طی آن تصمیم بر آن گرفته بودند سلماں آزادی خود را تا مین سازند. طی نامه ای بی امضا، که پیشاپیش به رئیس پادگان ارسال شده بود، حقوق عقب افتاده سربازان مطالبه شده بود. در نامه آمده بود که در صورت رد درخواست، نویسندگان اقدام به کشتن افسران خود و تسخیر تیریز خواهند کرد. طی نشست ۲۹ خردادماه، سربازان به این جمع دست رسیده بودند که دولت مشغول تا غیر و عدم پرداخت حقوق سربازان بود، دولتی که تحت هدایت "فراقی چون خودما" قرار داشت، یعنی رضا شاه. این قیام به سرعت امجادی سیاسی به خود گرفت.

بلادرنگ پس از انجام خیزش تماس تلگرافی بین سلماں و محسوی ازبک سو، و تیریز از سوی دیگر توسط سربازان قطع شد. بنا بر گزارش نخست کنسول بریتانیا در تبریز، سربازان "دست به غارت بیگانه زار سلماں زدند". این ادعای کنسول مورد تأیید چروونی (نام مستعار سفیر پیشین شوروی در ایران ۶ شومیا تسکی) نیز بود. چروونی (۵۰) با بهتر گزارش گرا و از منطقه، می نویسد که تیریز نسبت به خیزش سلماں اظهار همدردی داشتند، اما از غارت با زار می هراسیدند. از سوی دیگر، وابسته نظامی بریتانیا می نویسد سربازان "نه به غارت که بیشتر به غیبت بینه هرا و ترمیمان از منا زه های شهرها و جمله مرکز تجاری روسیه (آروروزاگ گوبستورک) اقدام کردند و سپس سربازان به نحو منظمی به سوی خوی رهسپار شدند." (شهر بزرگ، وابسته نظامی بریتانیا، مسمی افزاینده که سربازان شمارهای ضد دولتی می دادند. بنا بر گفته نرسنا دگان سیاسی بریتانیا در ایران، انگیزه های

قیام نیز تا خیر چند ماهه حقوق سربازان بود. در اینجا شایسته است به مسیر رویدادهای پیش از خیزش بپردازیم: سربازان که از دریا مست حقوق خود محروم مانده بودند، از منا زه داران شهرتفا های اعتماسار (یا بهتر خریدنسیه) می کردند. فرماده پادگان از تجار خواست از فروش نسبه به ایشان خودداری ورزند، امری که زنان سربازان را بیسسه محاسبه برای اداره امور می کشاند. در این میان یکی از سربازان که در اثر عدم دریافت طولانی حقوق خود کاملاً نا امید شده بودند، از منا زه داری طلب خریدنسیه یک کیلو شکر کرد. منا زه داری به دستور فرماده پادگان ساگزیرا زودتفا های او بود. در این هنگام سربازان میسسه نه نزاع با منا زه دار مشغول شد، به او تیری انداخت و منا زه ده را کشت. فرماده پادگان از دیگر سربازان خواست تا سرباز را طای و بی غمی را توقیف کنند. سربازان از اجرای این امر سر باز زدند و اعلام داشتند که اقدام همردیف ایشان قابل فهم و در اوضاع و احوال ویژه به حق بوده است. فرماده پادگان را ختم فرار و آن گرفت و بیسنا بر گزارش وابسته نظامی بریتانیا، به استفاده از بیسای زشت و پیرا دشنام روی آورد. زیباتی که رایج افسران رضا شاه بود، در این هنگام سربازان در دفاع از خود بیسوی فرماده تیر انداختند، او را به قتل رساندند. شبیه همین اقدام رانسر کنسول بریتانیا در مورد سربازان پادگان تیریز گزارش داد. (۵۲)

در اینجا باید تا کید و رزید که این سربازان از میان خانواده های روستایی آذربایجان بیس می شدند. در دهه های پایانی پیشین زمین های این دهقانان توسط زمینداران غصب شده بود. پس، شکست آورتنیست که سربازان به فوریت مورد حمایت روستایان اطراف، کارمندان جری اداری و صنعت گران شهری قرار گرفتند. ۵۴. به شوقی همین مردم بود که سربازان توانستند طی چند روزی که این قیام دوام آورد، امسال استخبارات فرماده خود را به اجرا گذارند و از افسران فرستاده مرکز خلع درجه عمل آورند. ۵۵

پس از بخش خیر خیزش سلماں توسط توده مردم، سربازان پادگان تیریز هم گویا همبستگی خود را با سربازان سلماں اعلام داشته بودند. فرماده تیریز را هراس گرفته بود که نیروهای هرا می برای سرکوب خیزش میان سلماں، تیریزه ایشان بیبوندند. ۵۶

برای سرکوب خیزش، که بنا به گزارش رسمی دولتی ایران به ۱۸۰ تن محدود می شد، تمام نیروهای متمرکز در پایتخت ایالتی، یعنی تیریزه خوی اعزام شدند. پس از سه روز تیریزدنا بر ابر، سربازان

* شایسته ذکر است که دیگران تعداد خیزشیان را بیشتر از بیسای کرده بودند. وابسته نظامی بریتانیا آنان را ۳۰۰ تا ۴۰۰ تن گزارش کرده بود. چروونی زه ۷۰ سرباز سخن رانده بود. تعداد تیریز را نندگان (۵۲) را غیر شوروی، بیورنیف ۷۲ تن داشته بود. این وضعیت ۲۹ ژوئن ۱۹۲۶.



آماره نبرد بود. اما با این همه، همین که خیزشیان به آن یادگساره نزدیک شدند، افسران یادگان گریختند، و سربازان همگی بسوی صفوف انقلابیون پیوستند، و شهرملا " بدون کوچک ترین نبردی فتح شد. پس از فتح شهر که در اطرافش روستاها نیز بسیار می زیستند و با اشتیاق از خیزشیان استقبال به عمل آورد، انقلابیون بسوی سرگزاری میتینگ توده ای، میتیگی که چند هزار نفر، و از جمله دهقانان روستاهای اطراف، در آن شرکت جستند، دست زدند. بیسمی ارازمی که انقلابیون سرنامه خود یعنی ضبط اراضی کشا ورزی زمینداران و عمال دولتی و تقسیم آنها در میان دهقانان را عرضه داشتند، شرکت کنندگان به خواست های دهقانان روستاهای اطراف کوشش را دادند. روستا خیزی که بزرگترین فتوادل [کذا] منطقه، مشهور به فساوت قلب را، دستگیر کرده، مصمم به محاکمه او در یک دادگساره مردمی بودند. تصمیم بر آن گرفته شد که حاجی عملیه راهبره، جبار افسر رتشی رها خانی در یک دادگساره انقلابی، [که اعضای آن جابجا انتخاب شدند، به داوری بنشانند.

"اعضای هیات داوری را بعد ویست تن سربازو دهقان تشکیل می دادند. مشیمان پس از بازرسی و ایرادادمانا به از سوی دهقانان و سربازان، به تیرباران محکوم شدند. همان شب حکم دادگساره اجرا درآمد. اراضی کشا ورزی حاجی عملیه به دهقانان منتقل شد. در سخنورد، انقلابیون نیروهای خود را با نیروی یادگان محلی متحد کردند. در نتیجه، تعداد فتنگ های سربزه دارشان به ۱۵۰۰ بالغ می شد. اینان چند مسلسل سبز در اختیار داشتند. ما موران ارتجاعی دولتی از مقامات خود عزل، و سرگزیدگان انقلابیون بجای ایشان منصوب شدند. سپس انقلابیون ۱۰۰ تن از سربازان خود را در سخنورد گذاشتند. فوج دیگری به قوت ۲۰۰ سرباز به سبزو اره سباز گردانند، با این ما موریت که جاده تهران - مشهد را قطع کنند، تا مگر نیروهای دولتی نتوانند پیش بروند. ۲۰۰ تن از نیروهای اصلی انقلابیون برای حرکت به سمت قوچان و مشهد در نظر گرفته شدند.

"در سخنورد، سه میتینگ بزرگ مردمی دیگر توسط انقلابیون برگزار شد، که در آن روستا خیان مناطق مجاور شرکت جستند. در این میتینگ ها، انقلابیون بر نامه انقلاب ملی ایران را به تصویب جمع حاضران رساندند: رهائی مردم از یوغ زمینداران و اشراف، تقسیم اراضی کشا ورزی بین دهقانان و دمکراتانانیدن ارتش - طی یک کمی از این میتینگ ها، دهقانان، قشرهای فقیر شهری و صنعت گساران، مفاز داران کوچک، و کارگران صنعت گر، رای برای زدن که به سرعت به ایجاد ارگان های اجرایی مردمی، یعنی انجمن دست بست برند. [۶۶] و اعلام داشتند که پس از فتح مشهد، اقدام به فرا خواندن کنفرانس منطقه ای برای ایجاد انجمن خواهند کرد. در میتینگ همچنین تصمیم گرفته شد که روحانیون، زمینداران و اشراف از شرکت

خیزشی شکست خورده، و وقتل رسیدند. نزدیک به مدهتن از ایشیان در پاریان نبردها سارت گرفته شدند. ۵۶ تن از ایشان جابجا تیرباران شدند. بقیه را قرا ر بود به دادگساره بکشند. ۵۷

بدین سان، در اینجا نیز تیرد سربازان دهقان زاده در افسران ۱۵۰۰ نفره نیروی نظامی پس بزرگ تری سرکوبیده شد. (۵۸)

خیزش خواستگاران

سومین قیامی که در آن سال رخ داد، خیزش خواستگاران بود. این قیام در او اهرماه، ژوئن ۱۹۲۶ (تیرماه ۱۳۰۵) در یادگان مرزی مراره تبه متشکل از سربازان دهقان زاده روی داد. از نقطه نظر اجتماعی این قیام از دو دیگر اهمیت بیشتری داشت. در این مورد ما به تفصیل مفصلی از جروونی (یا شومیاتسکی، سفیر پیشین شوروی در ایران) روی می آوریم. و گزارش او را با منابع دیگری تکمیل می کنیم.

در زیر ما سیر رویدادها را از قول گزارش گران جروونی نقل می کنیم:

"مرکزی که این خیزش را هدایت می کرد، یعنی کمیته، بسا داش در منطقه مراره تبه قرار داشت. یادگساره انقلابیون مبارت بود از یادگان این محله با دو دست سرباز سواره نظام ۱۵۰۰ سرباز هنگ توپخانه و ۵۰ سرباز مسلح به مسلسل. گاه زمان خیزشیان پیشاپیش با روستا خیان منطقه در تماس بود. در اس کمیته افسروانی به نام مالار جنگ قرار داشت، که از همکاران محمد تقی پسیان بود. دوش پیش از قیام، عده ای از افسران یادگان به تحریک افسری که با انقلابیون تماس داشته بود، جلسه ای ترتیب دادند؛ همه افسران را به آن فرا خواندند تا طی آن افسران انقلابی را دستگیر و مانع از قیام شوند. این وضعیت خاص انقلابیون را با این واقعات که در اجرای برنامه خود تعجیل کنند.

"جنبش یادستگیری افسران، که عده ای از آنان موفق به فرار شدند، و نیز تدارک مجولانه برای حمله به سخنورد آغازید. در سخنورد یادگان بزرگی قرار داشت که با سربازان آن روابط محکم و موجود داشت. طبیعتی حرکت از مراره تبه به سوی سخنورد، خیزشیان با اولین مقاومت نیروهای مسلح دولت به قوت ۲۰۰ تن روبرو شدند. در زد و خوردی که روی داد، سربازان فوج دولتی رفتاری منفعل از خود نشان دادند، و تنها افسران با استفاده از مسلسل به جنگ تن دادند. در این نبرد که در ساعت به طول انجامید، فوج دولتی تار و مار شد. چند تن از افسران دولتی فرار را برقرار مرجع دانستند یعنی سبمی از سربازان به خیزشیان پیوستند، و یکی از افسران دستگیر شد. راه به سوی سخنورد برای انقلابیون باز شد.

"در سخنورد، یادگانی به قوت ۸۰۰ سرباز وجود داشت، ۶۵



در انتخابات محروم خواهند شد. انقلابیون، برای نظارت بر انتخابات با ترمینال دولتی در تهران، یکی صنعت گریا رجه باف، و دیگری سگ آهنگر.

پس از اجرای حکم اعدام زمین داریزرگ، حاجی معلم، و چهار افسار ارتش، سمتا به نموداری از انتقام روستا کسان خیزش می از کل طبقه زمینداران روزیم پهلوی، که از آن گروه زمینداران فعالان دفاع می کرد، درجنوردهجنتی مردمی با شرکت دهقانان روستاهای اطراف برپا شد. سبیل درخواست های دهقانان برای اعزام فوج نظامی به این منطقه و رسیدگی به وضع آنان و تغییرمسئول تکلیف دشمنان ایشان: زمینداران و خان ها، انقلابیون را در خود غرق می کرد.

انقلابیون تا کیدی و رزیدند که حرکت به سوی مشهد این هدف را داشت که زمینداران و فئودال ها را به تمامیه میان سلطنت رضا خان پهلوی را از میان بردارد. درحالی که هنوز انقلابیون در بجنورد بودند، بسیاری از روستا کسان اطراف به عنوان داوطلب سینه نیروی آنان میجویند.

در بجنورد، انقلابیون مبلغ ۸ هزار تومان از مالیه شهر برداشتند. پس از بحث های طولانی بیامون مسئله، یستن مالیات به سرمایه ها، تصمیم بر آنجا شد: از آنجا که زمینداران بزرگ از شهر فرا کرده بودند و یستن مالیات بر سرمایه های آنان مسر نبود، و سرمایه های [بسیاری از] آنان در بانک های انگلیسی قرار داشت، با بندار ضبط سرمایه های تجار میان حال و خرده پا چشم پیوسته. اما از ایشان هفت هزار تومان وام گرفته شد. بدین سان، انقلابیون مبلغی معادل ۳۰ هزار روبل (۱۵ هزار تومان) در اختیار داشتند. به وام دهندگان قول داده شده که پس از فتح مشهد، قرض به ایشان مسترد خواهد شد.

" ارتش خیزشیان پس از تهیه آذوقه و اسلحه، از طریق خرید آنها از اهالی، امری که در واقع و احوال ایران امری کاملاً غیرعادی است، یعنی ارتش عادت دارد هر آنچه که مورد نیازش است از طریق جهاول به دست آورد، از طرف دهقانان و اهالی بدرقه شدند. به هنگام ترک شهر، هدیه ای به آنان اهدا شد: قرض نانی.

در همه جا روحانیون و زمینداران فرار را برقرار میخواستند. در این شهر، سینه نیروهای اصلی خیزشیان، به قوت ۱۲۰۰ تن تحت فرماندهی روسای خود و کمیته یاداش، به سوی شیروان ره میبرد. در راه شیروان (۶۷) از طرف هواپیما های دولتی شناسائی شدند. این هواپیما ها نخست آنامه رضا شاه [خطاب به خیزشیان] را فرستاد. بی ریه خیزشیان در این نامه " همه کسانی را که برخلاف قوانین الهی مالکیت و بیامینده آنان، شخص یاداش، قیام کرده اند، به تسلیم فرامی خواند." و در غیر این صورت کمره نابودی ایشان بسته بود.

" همزمان با بخش این اعلامیه، انقلابیون آگاه شدند که یک فوج سیمندفتری دولتی راه را برایشان سد کرده بود. این درست است که در یک فوجی شیروان ارتش انقلابیون به این فوج دولتی سرخورد و پس از یک نبرد بسیار سخت، به بدد هما بت اهالی منطقه، دولتیمان را تکت داد، به شهر شیروان وارد شد. به دنبال انقلابیون اهالی روستاهای پیرامونین وارد شهر شدند. بیش از یک هزار روستا کسان در مبینک بزرگ شهر شرکت جستند. رهبران خیزشیان طی نطق ها شمی در این مبینک آمل روستا کسان را بیان می داشتند: مبارزه بر ضد زمینداران و انگلیسیان که از ایشان حمایت می کردند. روستا کسان حرکت کننده در مبینک به انقلابیون خیر دادند که زمینداران محلی و دولتیمان ۱۵۰۰ تن را در قوچان گرد آورده، قصد داشتند با کمک نیروهای یکی از فرمانگرنان های منطقه، خان بجنورد، از ایل تادیلر، فوج های جدیدی تشکیل دهند و بر انقلابیول بنازند.

" در شیروان پس از اشغال اداره های دولتی و انتصاب ما موران جدید و مستقر کردن یک گروه بجه تفری سر با زو با سدار، انقلابیون بنا نیروهای اساسی خود به سوی قوچان سرازیر شدند. (۶۹) دهقانان که طی طول تمام راه انقلابیون را از حرکت نیروهای دشمن آگاه نگاه می داشتند، اطلاع دادند که یک فوج نیرومندا ارتش دولتی در قوچان قدیم مستقر شده بود. برآستی که انقلابیون در نزدیکی های قوچان قدیم مورد استقبال آتشار های مسلسل فوج ارتش دولتی قرار گرفتند. این آتش با درجهای رصیح بر روی ایشان گشوده شد. می بایست مبارزه را بپذیرند. این نیروی بود سه مگین، ۱۲۰ ساعت به طمسول انجامید. در ساعت ۵ بعد از ظهر تعداد زیادی از اهالی شهر (نزدیک به ۴۰ هزار تن در شهر) شادی گسان به استقبال انقلابیون آمدند. انقلابیون وارد شهر شدند. در این هنگام روحانیون، زمینداران و کاه رندان عالی رتبه دولتی دیگر در شهر دیده نمی شدند. انقلابیون به سرعت مسئولان خود را در تمام اداره های دولتی مستقر با خشنه. تا یک ساعت پس از نیمه شب، کمیته یاداش، به شکایت های اهالی ناشی از خسارات وارده از سوی زمینداران عاشن و خان ها و مقامات دولتی رسیدگی می کرد.

" در فردای آن روز در فرار آسمان قوچان دو هواپیما ی دولتی پیدا شدند و بسیار آن شهر را آغا زیدند. (۷۰) انقلابیون کوشیدند با مسلسل خود با هواپیما ها مقابله کنند، هواپیما ها تا چار از فرار کردند. در آن روز در قوچان مبینک ها کی در شهر برگزار شد و برای تشکیل انجمن محلی انتخابات به عمل آمد. بسیاری از دهقانان

(۷۱) گردان ایل ظفران تلویا انقلابیون همدردی داشتند، اما محروم از اسلحه بودند. (چروونی)



زن و مرد ، در این مینینگ ها شرکت جسته . در آن شب از طریق ... دهقانان غیررسیده که بنا بر گزارش دهقانی که از جناحان رسیده بودند ، در ۱۲ فرسخی مشهد ، بنا بر دستور دولت زمینداران و خان ها به عجله دست اندر کار تشکیل فوج های جدید نظامی بودند که تبلیغاتشان را دولت به عهده گرفته بود ، و ریاست آن را به رئیس قشون خراسان جان محمدخان سپرده بودند . (۷۱) شعبان اخیر دستور داده بود که ۷۰۰ تن از ارتش موجود را به جباران اعزام دارند . اما سرانجام یادگان از ارتش دستورسپا زنده در نخبه ، سیمدتن از آنان به دستور فرمانده لشکر تهریا را ن شده . درجه زندان شهر ریخته شده بودند . دهقانانی که خیر آورده بودند ، همچنین گزارش دادند که فرمانده لشکر تعمیم بر آن گرفت که همه تفنگچیان باقی قشون انگلیسیان در ایران و همچنین گردانی را که در جنگ چپانی اول در خدمت انگلیسیان بودند بسیج کنند . این اخبار بعداً مورد تایید قرار گرفت . در چهار رمیست فردای آن روز قوچان و فوج های انقلابی ای که تدارک نده بودند ، از تهریا آتش بمب چپا هوا پیمای دولتی قرار گرفتند . در این روزها رویداد نیست تن از اهالی آرام شهر به قتل رسیدند . در میان نیروهای مسلح انقلابی نیز تلفات وجود داشت . ۶۰ تن به قتل رسیدند و ۱۰ نفر مجروح شدند . در نتیجه تیردهای سرکمانه ، برغم حمایت هوا پیمانگی که بمباران می کردند ، ارتش دولتی دچار شکست و ناگزیر از عقب نشینی شد . اینان مذکته وزخمی به جای گذاشتند .

" اما فوج انقلابیون نیز به سختی مدم دیده از بابت تبلیغات تضعیف شد ، برای هر آنکه ای به جزد تهریا قی نمائند بود ، اما مسلسل ها هنوز هزاران تفنگ داشتند . دولت برای تقویت نیروی خود گارد تهریا را فرا خواند . انگلیسیان نیز از زرداب [زاهدان] پنجاه کامیون در اختیار دولت گذاشته که بوسیله آن ها هزاران مگال حمل شدند . در میان این نظامیان برخی از مملجان تفنگداران انگلیسی در جنوب دیده می شدند . بدین سان این نیروی عظیم نظامی دولتی به سوی قوچان انقلابی رهسپار شد . ارتش دولتی که پیشاپیش ، پیشاهنگان انقلابی اعزامی به سیزوار را شکست داده بود ، اکنون به شهر قوچان می تاخست بر انقلابیون که ارتهران و مشهد در محاصره و از ذخیره نظامی محروم بودند ، آشکارا زدگی وضعیت خطیر بود .

در همین حال ، پنج فروند هوا پیمانگی شهر قوچان و انقلابیون را به زیر آتش بمب های خود گرفتند . انقلابیون که ذخیره های نظامی خود را تماماً به مصرف رسانده بودند ، در همین ادامه تیرانه عقب نشینی دست زدند ؛ در این روند تلفات بسیار دادند . ، سزودی انقلابیون

(*) به گفته اهالی قوچان سه فروند هوا پیمانگی انگلیسی بودند و بجهت های راکه فروری ریختند ، نیز ساخت انگلیستان بودند . (چروتنسی)

ناگزیرا بر سرانگنده شدن در روستا های اطراف شدند . بیابرمنابع برینا سبانی و فرانسوی انقلابیون شکست خورده ای که جان به سلامت بردند ، از مرز ترکستان شوروی گذشته ، در آنجا خلع سلاح شده ، و زندانی شدند . (۷۲) بدین سان سومین رویداد انقلابی انجمن نخستین سال حکومت رضا شاه سرکوب شد . در مورد سر نوشت توده وسیع مردمی که در جلسات و میتینگ های شهرهای شیروان ، قوچان و غیره و روستا های اطراف شرکت جسته بودند ، هیچ گونه آگهی ندارم . با نظری جزئیات موجود مربوط به این خیزش های سه گانه تا بستگی دارد که به تفسیرهایی که پیرامون آن ها داده شده است ، بپردازیم . ارتش شاه کوئید این قیام ها را ، طبق معمول ، به " تحریکات شوروی ها " نسبت دهد . (۷۳) مفسران انگلیسی ، در همین ردای من ادعای دستگاه پهلوی ، توفیح می دادند که این قیام ها نتیجه عدم پرداخت حقوق سربازان بود . در اتحاد شوروی که مبارزه بیمن جناح ها ، تا این که هنوز به فرجام نرسیده بود ، عمدتاً به سبب جاس راست حزب و دستگاه دولتی میل می کرد ، توفیح این مطلب هنوز بسپار رنجیده بود . آثانی که در دستگاه های دولتی مسئولیت امور جا ورمیا نه را در جنگ داشتند ، در تفسیر پیرامون این رویدادها ، هم مقیده کسانی نبودند که از قدرت موثر هدف شده بودند ، رئیس بخش خاور میانه وزارت خارجه شوروی ، آقای یاستوف ، (که تحت نام ایرانسکی قلم می زد) مقاله بلندبالای در روزنامه " ایروستیا " نشر داد . (۷۴) و شمارهای فددولتی ، دستاهی و هوا داری از انجمن های انقلابی خیزش را به " تحریکات عمال " انگلیسی نسبت داد ، افزون بر این ، ایرانسکی دولت انگلستان را مسئول رویگرد دولت ایران دانست که دست شوروی را در این قیام می دید . در همان روزی که مقاله ایرانسکی منتشر شد ، آژانس خبرگزاری تاس اطلاع داد که در میان واحدهای خیزشی ، عمال خارجی وجود داشته که به قصد تحریک ، شمارهای " مرگ بر دولت " و " زنده ماند قدرت انجمنی " را طرح می کردند . خبرگزاری " تاس " افزود که توده ها احار زده اند که به این تحریکات از راه به در شوند . (۷۵)

با این همه ، سفیر فرانسه در مینکو ، پس از ملاقاتی با نمورتنش وزیر دربارا روهه کاره ، رضاخان (در آغاز ماه اوت ۱۹۲۶ به این جمع بست رسید :

" به نظرم می رسد که دولت ایران از کشش تشری های شوروی بر اهالی ایالت های شمالی و مرا و اتحاد شوروی یا ساخل دریای خزر ، اعمال می کرد ، در هر اس بود . " (۷۶)

حتی اگر بخواهیم نسبت به روایتی که آقای ایرانسکی بیان داشته بود ، با وریا وریم ، به نظرمی رسد که تحریکات انگلیسیان بهر رویه سود منافع حکومت شوروی تمام شد ، زیرا ، در اوت همسان سال پس از سرکوب قیام سلماس ، و خیزش خراسان ، که شدیدا و



سریم" (۷۸) انجام گرفت، تیمورتاش، عازم میکوشد، روزنامه "تایمز لندن پیرامون این سفر نوشت که: "آثار قیام هسای نظامی در آذربایجان و خراسان اکنون آشکار می شوند. ظاهراً "شاه ناچار شده است تا شوروی به تقاضای برسد." (۷۹)

مشاور سیاسی سفارت بریتانیا در ایران، پس از یک دیدار از رضا شاه در ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۶ (چهارم مرداد ۱۳۰۵) به چمبرلین گزارش داد که در زمینه "تعرفه های گمرکی اعطایی به شوروی، شاه به او صریحاً گفته بود که او "از ضعف جسمانی ایران در رابطه با همسایه شمالی شدیداً رنج می برد." (۸۰) ادعایی که بعداً مورد تأیید روزنامه پیرا و آفرار گرفت. (۸۱) پیرا و آفرار به قلم "میرزا" (یعنی همان آقای روتشتاین، اولین سفیر شوروی در ایران) نوشت: "وزیرداری، تیمورتاش، یعنی شخصی که مورد اعتماد دکان شاه است، به میکوشد تا مسئله اقتصاد سیاسی را که طی سال ها انباشته شده اند حل کند و با ما به بیمانشی در زمینه عدم تعرض به ما بپردازد."

همین آقای روتشتاین فراموش نکرد قیام های مورد بحث ما را به "تحریکات انگلیسیان" نسبت دهد. این موضع رسمی شوروی، البته، از سوی منتقدان که هنوز در شوروی وجود داشتند، سی با سخ نمایند. چرووی (با پتر شوپاشکی، جانشین روتشتاین در سفارت شوروی در ایران) در همان مقاله ای که مضملاً در بالا نقل شد، میرزا (روتشتاین) را به جعل دروغ های گزاف متهم کرد و افزود که او مواضع بسیار "غلط" و "آماس" ضد مارکسیستی اتخاذ کرده بود. (۸۲) کمونیست های ایرانی نیز در جمله به مواضع مخالفان خیزش های سه گانه تعلق نور می دهند.

سلطانزاده به سهم خود، پس از تشریح همین قیام در جزئیات به رد اظهارات پاستووکف، یعنی مسئول تعیین سیاست خارجی شوروی در خاور میانه، پرداخت و نوشت:

"تنها کسانی که وجدان و شرف خود را از دست می دهند، میسسی نوا سنا اظهارات را رد کرده این قیام ها را انگلیسیان سازمان دادند. هرگاه خبر این قیام ها در خراسان می پیچید، شادی عمومی توده های مردم را برمی انگیزد و امید را از نو در دل مردم زنده می کرد." (۸۳) سپس سلطانزاده بر "ایرانشناسی" دیگری به نام ف. ایوانف، تا بحث که در ستون روزنامه "ایزوستیسا" (مورخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۲۹) سه دنبال سبک علمی "ایرانشناسی" (پاستووکف) و "ایراندوست" (پشوروف) اعلام داشته بود که قیام [ایلات جنوبی به سال ۱۹۲۹] بنا بر داده هایی که او در اختیار داشت، به تحریک انگلیسیان انجام گرفته بود. (۸۴) سرانجام سلطانزاده نتیجه گرفت:

"کمبود بزرگ تمام این نمایش های برآستی دلاورانسه [مردم ایران] مهارت بود از نبود رهبری مرکزی، ضعف حسی

انقلابی، که هنوز تا در به رهبری کشور بیست و نه می بود برنامه سیاسی و اقتصادی، نبود اعتماد، تجربه در شرکت کنندگان در قیام، و سرانجام، نبود حمایت واقعی از خارج. در حالی که ارتجاع از کمک دائمی امپریالیسم بریتانیا برخوردار است، انقلاب ناگزیر است که، در حال حاضر، فقط روی نیروهای محاسبه کند. (۸۵)

از تصویر که در بالا به دست داده شده، می توان این جمع را به دست که توده های زحمتکش ایران، برغم کمبود زمان ندهی سیاسی، حتی به دلیل کمبود آن، با رها کوشیدند قدرت را از حاکمان سلب کردند و از نظر می خودگردان در اختیار خود بگیرند. افزون بر این، باید گفت که ما هنوز پیرامون این کوشش ها اطلاعات دقیق و مفصل لازم را نداریم، بویژه پیرامون دو خیزش کبکلان و سلماس. چنان که پیش از این تأکید ورزیدیم، کمالاتی که دفع شان در شناخته شدن جزئیات این قیام ها باشد، بسیار نادرند. این که درک شرکت کنندگان را این جنبش ها نه "کاملاً" راست و بیارسته، نه کاملاً "بیخته" بود، به هیچ روی از اهمیت تاریخی این نمایش های سزرگ اراده و خواست توده های زحمتکش ایران نمی کاهد.

سلمان، افراد ایشان، این واقعیت که این خیزش ها غالباً برانگیزه بودند، دست آخر، این نکته که دشمن به مراتب نیرومندتر بود و جبهات شکست خورن این قیام ها را فراهم آورد. این شکست های بی درسی، نباید، با این همه، به مثابه شکستی نهایی و فرجامین انگاشته شوند، زیرا همین گونه کوشش ها در اوضاع واحوال دیگری می توانستند موفق شده، بردشواری ها و منابع فائق آیند، دشواری هایی که پیش پای توده های زحمتکش ایران قرار داشتند.



کنسول بریتانیا ، کسوک ، در همان گزارش افزود که کسانی که صاحب ملک بودند ، اگر بیا به روستا می گذاشتند یا به " قتل " می رسیدند با اموالشان به " سرف " می رفت ، در حالی که متاخرین راضی ، تا بدافزودن راضی از استعمار بیگران ، گاه آرمی ، گاه آسوری ، در روستا ها ! پیدا خود را ! مستقر می کردند ، در همین اوان ، در مسجد بزرگ شهر ارومیه ، جلسه بزرگی برگزار شد و طی آن " جمعیت " سر آن رای زد که یک کمیته ، پنج نفری برگزیده ، خود را جانشین مسئولان اعرلی در مراکز ادارات حکومتی کند . شخصی به نام شیخ طه ها از سوی همانان به جانشینی فرماندار ، ژنرال کویا ل فراری انتخاب شد . مردم دیگر مالیات نمی برداختند ، مگر در مورد مالیات و تریاک (که اجبارا " بر قیمت محصولات افزوده شده بود) . دهقانان که اکنون دیگر خود فرآ ورده های کثا ورزی را به شهر می آوردند ، از پرداخت مالیات به دولتبان سرباز می زدند . کنسول ، این قدرت جدید را " قدرت تروریستی " نامید . این کمیته " تروریستی " اغتبا و استعمارگران را به فراس انداخته بود . بنا بر همان گزارش کنسول ، کویا مقامات شوروی ، که شمال ایران را در اشغال داشتند ، سرانجام تو بستند خود را از شر این حریان تحت تاثیر قیام نیشیم خلاص کنند ، یعنی آن را سرکوب کردند . با این همه ، کنسول بریتانیا افزود که زاندارم ها و پلیس در این منطقه از احترام مردم برخوردار نبودند . هم افزوده دهقانان ، چه آرمی ، چه آسوری و چه مسلمانان که سال ها پوست شان توسط مقامات حکومتی کنده می شد و زمینداران شیره جان شان را می کشیدند ، حال دیگر خود را آماده می دیدند ، امور خویش را خود در دست گیرند . او این " رفتار جسورانه " دهقانان را ناشی از ناتوانی مقامات حکومتی در حفظ نظم و هراس مالکان می دید .

کنسول بریتانیا تا آن گاه ها نه امری را متذکر شد که از حافظه تاریخی جمعی مردم آن دیار به منابه سرچشمه آن حرکات خود انگیخته مکرر ، حکایت می کرد . فروپاشی دستگاه ظلم رضا شاه ، دهقانان اجازه می دادند خود را از یوغی نجات بخشند که به دست مالکان و تما سر برگ برگردستان بسته شده بود و آن را سرچشمه تمام فلاکت و نگون بختی خویش می شناختند . از همین رو ، اقتدا وجدید سده در شهر ارومیه و روستاهای اطراف آن نمی توانست نه مورد پذیرش بریتانیا باشد ، نه مورد قبول روس ها و پس ، لزوم ازمیان برداشتن آن تحت عنوان ضرورت " آرامش " در میدان جنگ شدفا شیم .

(*) خواننده توجه دارنده شوروی ها این بار به لحاظ اتحادی که در جنگ با انگلیسیان داشتند ، ناچار این خود انگیختگی مردم را یا یستی به " شیطان " دیگری ، یعنی آلمان ، نسبت می دادند .

جمعیت

چنان که در بالا به تفصیل دیدیم ، انجمن های انقلابی ، در هر ریهی ، صغی و دهقانی ، محلی ، شهری ، با ایالتی ، ملیت و سرکوب چند باره اش ، همچون قنوس از پرها کبوتر فراموشی بریلندی می کند و خود را با زبه هنگام محیسن می نما بند . سرکوب محمد علی شاه ، اختیاری نظامی سپه دار ، سرکوب های رضا خانی ، هیچ کدام نتوانست این " خاطره " تاریخی مردمی را کلا بزاید . این تجدید حیات چند باره ، انجمن ها آنگاه شایسته توجه بیشتر است که وقت کنیم که تجربه های این انجمن ها ، در اثر اعمال و نیز اقدامات مدانه به فراموشی سپرده می شد .

در این پایان سخن لازم به یادآوری نکته مهم دیگری هستیم ؛ این که این انجمن ها دست کم در یک منطقه ایران ، که از آن خبر داریم ، پس از فرار شاه در فرادای ورود نیروهای متفقین در شهریور سیمت ، از توریستند کردند ، یعنی پس از سیمت سال سرکوب و حتی نه قزاق منبانه ای که ظاهر " تمام آثار مقاومت را از میان برداشته بود . این منطقه ، همان ارومیه بود که ، چنانکه پیش از این به تفصیل از سلطانزاده یاد شد ، تا اوایل سال های حکومت رضا شاه هنوز ریه های تولید دستجمعی خود را حفظ کرده بود . در ژانویه ۱۹۴۲ ، کنسول بریتانیا از تریستی گزارشی (۸۶) هر چند ناقص و فکونی به پیش داری های " قابل فهم " از کمیته های " که توسط گردان ، آرامنه و آسوریان منطقه ارومیه موجود آمده بود شرداد . (۸۶) کنسول بریتانیا این کمیته ها را به " دزدی و قتل " متهم کرد . بنا بر قول او ، در اثر هراس که از این " کمیته ها " در آن منطقه پیدا شده بود ، زمینداران ، نجار بزرگ ، واعضای بزرگ آزاد فرار را برقرار ترحیح داده ، به تریستی پناهنده می شد . او همچنین گزارش کرد که کنسول شوروی ، که خود را به عنوان محرک مردم فقیر در معرض اتهام می دید ، به او گفته بود که این اقدامات احتمالاً از سوی عمال فاشیسم " برانگیخته " شده است . او ادعای که با زانیمان را به یاد انعامات پوچ " میرزا " ، یا سوغات ، و " ایران دوست " می اندازد .

به بخشی دقیق تر ، کنسول بریتانیا چه گزارش کرد ؟ این که پس از فروریخت دستگاه ظلم پهلوی ، به دنبال فرار شاه ، نظامیان حکومتی دیگر حاضر به امری " وظیفه " استبدادی سرکوب دهقانان و زمینگان شهری نبودند . از همین رو ، زمیندارانی که در گذشته به کمک زاندارم و سپاه حکومتی دهقانان را بی رحمانه می چابیدند و استعمار می کردند ، آنقدر بی رحمانه که نمایندگان دیپلماتیک امپریالیسم بریتانیا در گزارش های بزی خود به آن معترف بودند - دیگر هرات ندا شتند به روستا ها بگزارند .

۳- گرایش اصلی در میان انجمن ها ، گرایش به سوی تندروی و صرف و سا زمان های ظرفه ای بوده است . با این تفاوت بسیار مهم که ، در حالی که در صنف سنتی ریش سفیدان کدهای صنف بقضی پدرسالارانه (اما تحت مراقبت برخی مکانیسم های کنترل) ایفای کمره در انجمن های دوران مشروطیت نقش پدرسالاران اگرکلا" رفع نشد ، اما تا حد زیادی تخفیف یافت . در این فرآیند جدید اعضای صنف از استکا روحلاقیت و امکانات بیشتری برخوردار بودند . اگر در آغاز دوره ان مجلس اول ، انجمن ها شی بیشتر تحت تاثیر عمای قوم بودند ، رفته رفته با انگشاف جنبش بقضی معنا مرسانده در انجمن ها افزایش یافت . در اینجا اگر تندروی در کار نبود ، تندروی رفیع بود ، نه فرساییده .

۴- در مورد مکانیسم های عملکرد درونی انجمن ها چیز زیادی نمی دانیم و این ناشی از آن است که شرکت کنندگان بقضی خاطر نوبی و جمع آوری اسناد را در امر انتقال هجره شخصیم نداده اند .*

* اخیراً " دوشتریه زمان مشروطیت در ایران تجدید چاپ شدند ، اقدامی که تا سیه نخستین است ؛ صورا سرافیل ، روزنامه دهخدا و میرزا جهانگیرخان صورا سرافیل . در این روزنامه به با خبره های کوتاهی از اقدامات انجمن ها بر می خوریم . آنچه در این جمع بست می آید می توان از همین اخبار ناقص نیز قابل استنتاج اند .

۲- روزنامه انجمن توسط نشر تاریخ ایران ، به همت منصوره رفیعی (در عین شخص مسئولان این تجدید چاپ ، باید با تا ساف افزود که در مقدمه ای طولانی که بر آن نوشته شده است ، سخنان بسیار نا درستی رفته است . در زمینه سوسال دمکراسی ، همان پوچ گوئی ها و افغانه با فی های توده ای تکرار شده است) ، از جمله این که روزنامه مجاهد شیراز ارگان سوسال دموکرات ها و مرکز غیبی شیراز بود . صرف نظر از این که سوسال دموکرات ها با مرکز غیبی یکی نبودند ، چگونه می توان ارگانی را به یک مرکز غیبی نسبت داد؟ این که آشکارترین نوع تفاسد است . در مورد انجمن ها نیز از اطلاعات و تفیسرهای نا درستی داده شده است . پرداخت به این ها و تحلیل خود روزنامه انجمن را که اکنون در اختیار ماست باید به فرصت دیگری موکول کنیم . ایمن را گفته باشم که منا بعضی که تهیه کنندگان کتاب برای تهیه مقدمه به کار برده اند ، هیچ یک از تحقیقات چندی دهه پانزده ساله اخیر را (کینه نوزانه ؟) مورد عنایت قرار نداده اند .

اما سرکوب این نشانه بعدی خودپوشی مردم زحمتکش با زهم نشوانست ریشه های آن را بخشکاند ، زیرا ، با همه تفیسرات وسیعی ، و نه عمیقی ، که جامعه ایران در دوران جنگ ، و پس از آن ، در عصر پهلوی دوم ، به خود دید ، با زهم جنبش انجمن در آستانه فروپاشی فرجامین نظام استبدادی سلطنتی پهلوی خود را به منمه ظهور گذاشت .

طی ۳۷ سالگی که از سرکوب حرکت مردمی در ارومیه تا پیدا ییش جنبش انقلابی برای رفتن پهلوی گذشت ، ما شاهد دیده های تکان دهنده ای چون حزب توده ، نهضت ملی کردن نفت ، رهبری مصدق ، و نیز " انقلاب سفید " یا به عبارتی دیگر انتقال وسیع توده های دهقانی از روستا ها به شهرها و افزایش جمعیت کشور به دو برابر بودیم . اما هیچکدام این تغییرات نشوانستند ، سرچشمه این " فتنات آرمی های انسانی زحمتکش ایران را بخشکانند . در آن روزها که شکست فرمندی غمینی از طریق دستگاه های نیرومندان رباط جمعی بین المللی به مردم پیدا شده ، ایران تحویل می شد ، زحمتکش ایران دیگر با ربه ساختن ارگان های خودگردان خویش دست بردنند . اما این با ربه شکست دچار آمدند . * اگر چه " چپ مدعی سردن دانش سیاسی به میان طبقات زحمتکش و رهبری آنان بود ، اما نتوانست به موقع اهمیت و لزوم بالشی این جنبش انجمن را ببیند . به عوض ، دولت مردان اسلامی ، به سرعت ، به همان سرعتی که سبب مردم را در مقابل شاه شخصیم دادند ، برشورا ها نیز چنگ انداختند ، تا حدی که در مواد ۱۵۵ تا ۱۶۶ قانون اساسی خود آن را ، همچون سردار اسعد و سید اردر دوران نیرد بر ضد جمعی شاه ، رسمیت بخشیدند (۸۸) تا بتوانند آن را از محتوای خود تهی کنند .

اکنون هنگام آن فرار سیده است که جمع بست تاریخی خود را از این پدیده ، اجتماعی جدید تاریخ ایران با قید احتیاط آرا سیه دهیم . با توجه به مدارک و اسناد ما مکی ای که در اختیار داریم و مورد استفاده قرار دادیم می توان بر نکته های زیر انگشت تا کید نهاد :

۱- انجمن ها همچون نمایش خود انگیخته مردم مهین خواست ایشان برای رفع ظلم و استعبار بودند .

۲- انجمن ها یک دست ، که پدیده ای پیچیده ، متنوع و ناهمگون بودند .

* بررسی این تجربه جدید و علل شکست آن در حومه پژوهش دیگری است که باید انجام گیرد .



بسیاری گذاشتند. در دورانی که شخصیت میرزا کوچک خان و سازماندهی حزب کمونیست ایران جنبش انقلابی شمال را تحت تأثیر خود داشتند، از انجمن های انقلابی ارزش زیادی دیده نشد؛ به وراثت هنگامی که شخصیت میرزا کوچک خان تا روما رشد، حزب کمونیست زیر ضربات حکومت رضا خان اربک سوفا را های دولت شوروی از سوی دیگر به وقفه ای جدی دچار آمد، به قیام انجمنین شمال روی دادند.

درفردای شهریور نیست با فروپاشی نظام استبدادی - نظامی پیش از آن که حزب توده به قدرتی و سازمانی بدل شود، با مصدق سانه فرهمند خود را برجایش بیفکند، کوشش های آغازین برای ایجاد قدرت خودگردان مردم زحمتکش، در منطقه ارومیه صورت گرفت، اما سرودی در چارچوب "نظم فدائیشستی" سرکوب شد.

در دوران قدرت سازمانی حزب توده و سایه فرهمند مصدق، کوچک ترین اثری از جنبش انجمنین دیده نشد، حتی پس از تصویب لایحه مفید تشکیل انجمن های دهقانی توسط مصدق.

سازد دورانی که دستگاه اداری نظامی پهلوی از یک سوز بر فشار های اقتصادی ترک نرمی داشت، و از سوی دیگر زیر فشار سیاسی کارشناگر بر اثر زنجیر اختناق بود، مردم زحمتکش در غیا سازمان سیاسی بر توان گذشته، چون حزب توده، با شخصیت نیرومندی، همان تصدق مصدق، نه استکار سازماندهی انجمنین (شورائی) روی آوردند، و این درست هنگامی بود که هنوز سایه شوم خمینی سرکل جنبش نیفتاده بود. با این همه، علیرغم تسلطی که سایه خمینی، به برکت دستگاه های ارتباط جمعی بین العللی بر پهنه سیاست ایران افکند تا لحظه ای که سرکوب خشن وی رحمانه شوراهای آغازین بنده بود، توده های زحمتکش در بسیاری از موسسات صنعتی، اداری و غیره نهاد های خودگردان خود را نگه داشتند.

مبتلابی که اکنون از نظر شهری تاریخی پیش روی ماست این است که چگونه می توان جامعه ای را، که از یک سو گرایش به پدیدایش شخصیت فرهمند دارد، و از سوی دیگر گرایش عمیقی به سازماندهی خود گردان نشان می دهد، در مسیری انداخت که در آینده از تأثیر دیگری از شخصیت فرهمند (خواه نیک اندیش و مردم دوست چون مصدق، خواه بد اندیش و مردم ستیز مانند خمینی) در آن بمانند.

چنین امری را باید از نتایج تاسیس احزاب سیاسی جدید دانسته اجزایی که توسط دماغونسی چون رسول زاده، تقی زاده، حیدر خان سلیمان میرزا اسکندری و امثالهم تحت عنوان دمکرات یسا اعتدالی ایجاد کردند، (۸۵) پرهیز از سایه شخصیت نیک اندیش و مردم دوستی چون مصدق

۵ - چنان که دیدیم برخی از انجمن ها، صرفاً "در خدمت اغنیاء و شروتمندان یا ملایان ستمگربودند. این امر به هیچ وجه از اهمیت انجمن هانمی کاهد، زیرا روی آوردن افراد پستان جامعه به انجمن خود از نفوذ انجمن و اهمیت آن به مثابه یک نهاد موثر اجتماعی حکایت می کند.

۶ - انجمن های ایران را نباید با انجمن های کارگری ای که در سال های پس از جنگ جهانی دوم پدید آمدند یکسان دانست؛ باید توجه داشت که آن انجمن ها پس از دهه های که از حیثیات جنبش کارگری می گذشت، با تجربیات هفتی آن به وجود می آمدند، در حالی که در ایران نظام سرمایه دارانه هنوز پله های آغازین خود را می پیمود.

۷ - نکته مهم دیگری که ما از اهمیت است، سبزه به مثابه نشان ای از تفاوت های بین ریخت گیری های طبقاتی در ایران و اروپا، این است که در غالب موارد دیده می شد که "طبقات" مختلف در یک انجمن (شهری یا ایالتی) شرکت می جستند و به ایفای نقش مشغول می شدند، نقش هایی که با انکشاف سیاسی کشور و خود انجمن در حال تحمیر بود. این نکته با بنا پژوهش های بعدی پخته تر تحلیل شود.

۸ - نکته پیچیده دیگری که پیش ازین به آن اشاره کردیم تقابل شکفت انگیز بین "مقاومت ها" و "مقب نشینی" ها می است که انجمن ها در برابر بیورش های مختلف از خود نشان می دادند؛ مقاومت مسلحانه برای دفاع از مجلس شورای در سال ۱۹۰۷، اما

"پذیرش" سرکوب سریع در ژوئن ۱۹۰۸، همانند ۲۰۰۰ نفر ۱۳۳۱ و ۲۵۰۰ مرداد ۱۳۳۲ در تقابل با ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (گرچه این مثال آخرین به انجمن ها مربوط نمی شود). آیا این پدیده، عجیب را باید به عنصر "تکیبانی تاریخی" ایران تیان نسبت داد که طی تاریخ پرفراز و نشیب خود آموخته اند هنگام مخاطرات عظیم عقب نشینی کنند و در کمین فرصت بنشینند؟

۹ - در این پژوهش ما به پدیده دیگری نیز بر می خوریم و آن عبارت است از پیدایش و باقی ماندن انجمن های هنگامی که پهنه سیاسی ایران تحت تأثیر حزب نیرومند و با شخصیت فرهمندی قرار ندارد، در دوران آغازین مشروطیت (مجلس اول) هیچ یک از شخصیت ها برکمل توده مردم نفوذ غالب نداشتند، اما انجمن ها بسیار توانا بودند. در دوره دوم مجلس به هنگامی که دو حزب نسبتاً نیرومند پدید آمدند (فرقه دمکرات و اعتدالیون) نقش انجمن ها در جامعه رو به

گفتیم که نقشی که انجمن های خرفه، محلی و ایالتی، سبزه انجمن های ایالتی، (ملی) در شهرهایی چون تبریز، مشهد و رشت ایفا می کردند، پس از پیروزی بر محمد علی شاه روبرو با انحطاط گذاشت

۱- مادر نوشته های دیگر به این نکته مطلقاً پرداخته ایم. از جمله نگاه کنید به شیوه تولید آسپاشی (انتشارات مزدک). حزب کمونیست : تکوین، انگشاف و انحلال، ۲۲-۱۹۱۶، (در دست انتشار) و نیز کتاب جمعه ها، شماره ۴، پاییز ۱۹۸۵.

۲- نامه مارکس به انگلس، مورخ ۲ ژوئن ۱۸۵۲، جلد ۲۸ مجموعه آثار MEW برلن.

۳- همانجا.

۴- نامه انگلس به انگلس مورخ ۱۴ ژوئن ۱۸۵۲، Marx-Engels Selected Correspondence, Moscow, n.d.

۵- فصل اول کتاب یاد شده، حزب کمونیست ایران، ... و نیز، A.K.S. Lambton, Landlord and Peasant in Persia, Lond. 53

اراضی خالصه و دیوانی که جزو داریایی های حکومتی و سلطنتی بودند در واقع املاک عمومی (جمعیتی) بودند و عداوماً از طریق تقسیم زراعی در اختیار دهقانان قرار داشتند. بنا بر پژوهش سلطانزاده نیز طی سده نوزدهم میلادی مباحران و مشمولان اعز-امی حکومتی توانستند از طریق فشار بسیاری از اراضی جمعیتی را به مالکیت خصوصی خود در آورند. در این مورد نگاه کنید به انگشاف اقتصادی و انقلاب ارضی در ایران، اسناد تاریخی ... جلد ۲-۳. سلطانزاده، "مسئله" ارضی در ایران معاصر" نویسی و اسناد شماره یک، ۱۹۲۲، ص ۱۳۶.

۷- برنارد لوئیس، B. Lewis, The Assassins, London, 67.

۸- Blunt, The Secret History of The English Occupation of Egypt, London, 1907, p. 83.

۹- فریدون آدمیت، زندگی و اندیشه میرزا آقاخان کرمانی، تهران ۱۳۴۶، و نیز خانم گدی، Keddie, N., S.J. Afghani, Los Angeles, 1972.

۱۰- لامبتون "Secret Societies and the Persian Revolution", St. Antony's Papers, No. 4, Oxf. 1958, p. 48

در واقع لامبتون جز از کمیته انقلابی ای که در ماه مه ۱۹۰۴ ایجاد شد یاد نمی کند. او به منبع بسیار نامطمئن ۷ جلدی ملک زاده استناد می جوید.

۱۱- نخستین انجمنی که به آن برمی خوریم همانا انجمن مخفی نوویه ۱۹۰۵ است. یعنی پس از نخستین انقلاب روسیه. در مورد نفوذ سوسیال دمکراسی قفقاز بر ایرانیان نگاه کنید بسسه : حزب کمونیست ایران ... (یاد شده)، فصل دوم، و نیز- La Social-Démocratie en Iran, ed. C. Chaqueri, Florence, 78.

جالب توجه است که ناظم الاسلام کرمانی صحت خود را در نخستین

۱- چنان که دیدیم، احزاب همواره مبتداً تالیسی در برابر انجمن های انقلابی قرار گرفتند. اما خود احزاب ایران نیز از گزند اشعاب، کیش شخصیت، زدوبندهای حیدری و نعمتی و امثالهم در امان نماندند. احزاب ایران هرگز نتوانستند همچون آن احزاب اروپایی که نمونه خود قرار می دادند، قوام سازمانی، فکری، و مقالاتی که اخیراً پیرامون حزب بوده، نشر یافته است. می دانیم که آن حزب نیز، برغم ظاهر آراسته اش، نتوانست از گزند هسای معمول برخوردار باشد. افزون بر این که همواره مافع زحمتکشسان ایران را تحت الشعاع مافع حزب "برادر" بزرگ تفرار می داد.

پس مبتداً دیگری که در برابر ما است این است که آیا احزاب می توانند مبتداً به فتوای هدایت کننده، آت حیات و توان سیاسی مردم، ایشان را به سرزمین های حاصلخیز سعادت اقتصادی، و سپهروی فرهنگی اجتماعی راهنما باشند؟ این پرسش هایی است که پاسخشان به پژوهش های گسترده و تحلیل های ژرف بستگی دارد. نه پرگوشی های تکراری، خسته کننده و مردم گریز.

خسرو شاکری

(پاریس، تیر-مهرماه ۱۳۶۴)

به زعم مدعیانی که منع عشق گذشت
جمال چه بهره ای تو صحت موجه ما است
اگر به زلف دراز تو دست ما نرسد
گناه بخت پریشان و دست گوده ما است

دست کم از این روزی است که انسان های والایی چسبون سمدق از خط میواند و به هر حال فانی اند. و توان و خردتان نمی تواندجا نشین. نهادهای خودگردان مردم شود، زیرا مردم را غمخوارش و در لوسوزترا خودایشان یا روپاوری همیشگی نیست.

- ۳۲- سلطانزاده، انگشاف اقتصادی ایران، و... در چاپ فرانسهی آن ص ۱۵۶؛ Ed. par C. Chaqueri, 1978, Florence.
- ۳۳- چروونی (شومباتسکی) " مسائل مورد نزاع در تاریخ معاصر ایران، در مجله پلشوویک (روسی) شماره ۲، ۱۹۲۷، ص ۶۶ و نیز Le Mouvement Communiste en Iran, éd. C. Chaqueri, Florence, 1978, p. 587 ; M.C.I.
- ۳۴- دست اندازی رضا خان به بهترین ارغی کشاورزی ایران در شما - ل از دید سفیر بریتانیا در ایران به دور نمائند. مواردی از آن ها به لندن گزارش شدند. نگاه کنید به سندی که در ضمیمه در این شماره به چاپ می رسد و نیز: F.O. 371/ 11892; p. 209; F.O.371/ 16077, p. 212.
- این دانسته است که رضا خان پیشاپیش به انباشت ثروت دست زده بود که بعراقت پیش از جمع حقوق ماهیانه او به ثوابه یک نظامی بود. نامه ای از سفارت فرانسه در تهران به تاریخ ۴ ژوئیه ۱۹۲۴ ابرام می دارد که رضا خان پیشاپیش ثروت شخصی خود و دوستانش را "تضمین" کرده بود. AMAEF, Asie, Serie E. Perse, Doss. 1, 1920-24, p. 185.
- ۳۵- جنگلی، " جنبش جنگلیان طی سال ۱۲۹۶" در مجله روسی روولوتسیونیی بی واستک، شماره ۲، ۱۹۲۷، ص ۹۵-۱۹۴ و نیز سلطانزاده، در تحریکات اقتصادی، اثر یاد شده به زبان فرانسه ص ۶۷-۶۴.
- ۳۶- F.O. 371/ 11488, p.2; (Fraser to Nicolson) 5 July 1926.
- ۳۷- همانجا.
- ۳۸- F.O.371/11488, p.193.
- ۳۹- جنگلی، مقاله یاد شده.
- ۴۰- F.O.371/11488, p.175, 23 June 1926.
- ۴۱- افزون بر منابع زیر که خواهد آمد نگاه کنید به مقاله "هر-مز" (سلطانزاده)، " قیام های انقلابی پس از جنگ جهانی"، در ستاره سوخ، ۳-۴، ۱۹۲۹، ترجمه آلمانی به همت خسرو شاکری در:
- ۴۲- جنگلی، مقاله یاد شده، ص ۱۹۶، و وابسته بریتانیا همان اتهاماتی را به ابراهیم خان وارد آورد که پیشینان او به به کوچک خان وارد آورده بودند. او نیروها ی ابراهیم خان را " یک دسته دزد سرگردان نامید، وی را متهم کرد که می خواست به " کوچک خان دومی" بدل شود، و به دهقانان

- جلسه انجمن با نمونه قیام مردم روسیه در راه آزادی آغازید. تاریخ بیداری ایرانیان، جلد یکم، تهران ۱۳۴۶، ص ۶.
- ۱۲- لامیتون، مقاله یاد شده، ص ۵۶، متن فارسی در ناظم الاسلام کرمانی، همان اثر، ج. یکم، ص ۶۲.
- ۱۳- ناظم الاسلام کرمانی، همان اثر، ج ۲، ص ۲۲۲.
- ۱۴- حیدرخان "تحریرات"، اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دمکراتی، و کمونیستی ایران، ج ۴، ص ۵۲.
- ۱۵- این اطلاعات در مورد انجمن ها از همان مقاله خانم لامیتون اخذ شده اند: Secret Societies and Persian Revolution", St. Antony's Papers, No. 4, Oxf. 1958.
- ۱۶- در مورد سوسیال دمکراسی ایران نگاه کنید به La S-D, Iran همان اثر، و نیز اسناد تاریخی، جلد های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۱۹.
- ۱۷- یاد آور شویم که در خارج از ایران نیز انجمن ها اثر وجود داشتند چون انجمن سعادت ایرانیان و انجمن عشق آباد. انجمن سعادت در آباد همبستگی بین المللی با نهضت ایران نزد اروپاییان نقل اساسی ایفا کرد. در مورد برخی اسناد آن نگاه کنید به: اسناد تاریخی، یاد شده، ج ۱۹، و نیز LA S-D en Iran در مورد انجمن عشق آباد نگاه کنید به خلاصه مقاله ماتویسف در همین شماره.
- ۱۸- مجموعه اسناد وزارت خارجه روسیه (تزاری) مربوط به رویدادهای ایران، از آخر ۱۹۰۶ تا ۱۱ ژوئیه ۱۹۰۹ (بخش اول) (به روسی) سن پترزبورگ، ۱۹۱۱، ص ۴۰.
- ۱۹- همانجا.
- ۲۰- همانجا، ص ۴۱.
- ۲۱- همانجا، ص ۴۲.
- ۲۲- همانجا، ص ۴۳.
- ۲۳- همانجا، ص ۹۲.
- ۲۴- همانجا، ص ۶۱.
- ۲۵- همانجا، ص ۲۲۲.
- ۲۶- اثر تری، محمد علی شاه (ایران معاصر)، الکساندر ویل، ۱۹۰۹، صفحه ۶۹.
- ۲۷- مجموعه اسناد وزارت خارجه روسیه، از دوم نوامبر ۱۹۰۸ تا ۱۱ ژوئیه ۱۹۰۹، بخش دوم، سن پترزبورگ، ۱۹۱۱، ص ۷.
- ۲۹- کتاب آبی، اثر یاد شده، (ج. یکم، به ترتیبه ص ۸۰، ۹۱، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۶، ۳۰۷، و نیز ۱۳۱).
- ۲۹- رایینو، مشروطه گیلان، چاپ طاعتی، رشته ۱۳۵۲.
- ۳۰- اثر یاد شده در مورد سوسیال دمکراسی ایران La S-D en Iran, ed. C. Chaqueri, Florence, 1978, صفحه ۷۶.
- ۳۱- گزارش وابسته نظامی فرانسه در تهران، بایگانی وزارت خارجه فرانسه Rapport du Capitaine Ducroq, AMAEF, 1920/9 و نیز خیفیس، مورخ شوروی، سووتسکایا آسیای سوپردلنیه، تترانی واستنگ و گودی ۲۰-۱۹۱۸، مسکو، ۱۹۶۴، ص ۲۲۱.



شخصی " خود " فریب " داده بود تا بتواند جمهوری ای به پا کند که در آن اراضی کشاورزی بین دهقانان تقسیم شوند! گرگانی برغم آنتی کمونیسم بیمارگونه اش و در عین نقل از خاطرات آقابکف ، چاسوس پیشین شوروی در ایران، ناگزیر از اعتراف به این است که قیام خراسان به تحریک شوروی ها انجام نگرفت ، و این که شایعات مربوط به دخالت انگلیسیان در آن از منبع کنسول روسیه شوروی در مشهد نشاءت می گرفت .

در همین زمینه ، سرلشکر ارفع در کتاب خود به نام Arfa, H. Under Five Shahs, London, 1964

می نویسد مالار جنگه ستوانی مازندرانى به نام لهاک خان بود. و او را از طایفه باوند، که خود رضا خان نیز بدان تعلق داشته معرفی می کند. ارفع می نویسد که روسای قبایل مازندران که با " نسبه های خود رویکرد تجا و زرگاران " ترکمن های بیعت را بر انگیزته بودند ، توسط نیروهای دولتی کشته شده بودند. قتل ایمان تنفر و انزجار اعضای خانواده شان را بر انگیزته بود ، یکی از اینان لهاک خان بود. لهاک خان مردی " احساساتی " بود. سخنان بی محابای او به گوش سرلشکر خزائی رسیده بود، که فرما ندهی لشکر پنجم را داشت. او لهاک خان را فرا خوانده ، از او خواسته بود محتاطانه و با رعایت ادب بیشتری رفتار کند. سپسی خزائی او را به فوج شتر سوار سیاه سیستان منتقل کرد. پس از مدتی که از آغاز عملیات بر ضد ترکمن ها گذشت فوج شتر سوار سیستان نخست به دشت ترکمن (ترکمن صحرا) و سپس به مراوه تپه اعزام شد. " ارفع می افزاید که چون این قیام ها کم و بیش همزمان و در مرزهای شوروی رخ دادند، می توان تردید داشت که بخودی خود روی داده باشند. با این همه، او خود معترف است که مدرک درستی برای نسبت دادن دخالت شوروی هرگز به دست نیامد. ارفع سپس می آورد سربازان بلوچ در فوج شترسوار که با غم حنب موطنشان دست به گریبان بودند. به تحریک لهاک خان شوریده ، و افسرانی را که با فرار نکرده یا به آنان نیبوسته بودند، به قتل رساندند. ارفع تاکید می ورزد که سربازان پس از پیروزی های آغازین خود یک " جمهوری سوسیالیستی انجمنین " به پا داشتند. او پس از اشاره به حرکت شورشیان و نبرد های آنان با قوای دولتی، می نویسد که سرانجام شورشیان از ایل ظفرانلو شکست خوردند و پس از هزارد به شهر مرزی باجگیران، به آن سوی مرز، به شوروی ، پناهنده شدند. ارفع خود معترف است که بنا بر گزارش به رضا شاه قیام لشکر پنجم ناشی از اداره به و ارتش " در آن سواد و ژنرال جان محمد خان ستوول آن دانسته شد. ارفع برنوشت مالار جنگ را ، از قول برادر خود او، شروین باوند، بدین گونه می آورد: او پس از مدتی تقاضا کرد شوروی را ترک کند و به اروپا

دستور می داد مالیات ها را به شخص او بپردازند. "

۴۳- جنگلی، همان مقاله ، و نیز F.O.371/ 11484

۴۴- جنگلی، همان مقاله ، ص ۱۹۶.

۴۵- برای متن کامل رجوع کنید به مقاله " یاد شده " جنگلی، ص ۱۹۸-۹۹ ، و نیز چروونی، " مسائل مورد نزاع... " یاد شده. ص ۶۲-۶۳ (روسی) و نیز M.C.I. ، یاد شده، ص ۵۸۰ به بعد.

۴۶- همانجا .

۴۷- F.O. 371/ 11488

۴۸- سلطانزاده، انکشاف اقتصادی ... تحریرات اقتصادی، یاد شده ، ص ۵۹-۱۵۸.

۴۹- F.O. 371/ 11484, p. 175

۵۰- چروونی، " مسائل مورد نزاع... " یاد شده، ص ۵۷

۵۱- F.O. 371/11488, 15 June 1926

۵۲- گزارش کنسول به نام Gilliat-Smith مورخ ۲۵/۴/۲۶

در F0371/11488 ، ص ۲. همین مطالب مورد تایید فرستادگان

سیاسی فرانسه در ایران نیز بودند. نگاه کنید به AMAEF, Ser.

E. Asie, Doss. 19, p. 255

گزارش فرانسویان و نیز سلطانزاده شیربازان چند تن از افسران

را توسط سربازان تایید می کنند.

۵۳- سلطانزاده، " مسائل ارضی... " یاد شده، ص ۱۴۰.

۵۴- چروونی، " مسائل مورد نزاع... " یاد شده، ص ۵۷.

۵۵- همانجا .

۵۶- گزارش کنسول بریتانیا، مورخ ۲۵ ژوئن ۱۹۲۶. یاد شده .

۵۷- F.O. 371/ 11488 ص ۱۹۲ و ۱۷۵ و نیز نامه

وابسته نظامی ایران ، ص ۱ ارفع (بعدها سر لشکر و رئیس ستاد)

به روزنامه تایمز (لندن) مورخ ۱۲ اوت ۱۹۲۶ ، و نیز چروونی،

" مسائل مورد نزاع ... " یاد شده، ص ۵۷.

۵۸- حسین مکی در جلد چهارم کتاب خود به نام تاریخ بیست ساله

ایسران، چند مقدمه به رویدادهای خراسان اختصاص می دهد. او در

صفحه ۱۱۹ اسرام می دارد که رخداد های سلما و مراوه تپه در

یک شب آغاز شدند (شب دوم تیرماه ۱۳۰۵). افزون بر این، او ملاحظه

لغت سالار جنگ (رهبر سراوه تپه ، که او لهاک خان می نامند)

با رضا خان را به دشمنی های پیشین بین خانواده خود و رضا

خان سواد کوهی نسبت می دهد. بنا بر ادعای مکی، رضا شاه دو تن

از برادرزاده های او، پسران امیر موبد سواد کوهی، را به قتل

رسانده بود. مکی از منشور گرگانی (سیاست شوروی در ایران-تهرب

آن، ۱۳۲۵) نقل می کند که بنوبه خود می آورد که سالار جنگ

با این خیزش انتقام خون خویشان خود را می ستاند. (ص ۵۶-۲۵۰)

گرگانی می افزاید که سالار جنگ دهقانان را به خاطر " اهداف



۷۲- F.O.371/11488, p.200; AMAEF, loc. cit., Doss. 19, p.228.

۷۳- F.O. 371/11488, p. 194.

۷۴- ۲ ژوئیه ۱۹۲۶ ؟

۷۵- بنا بر گزارش سفیر بریتانیا از مسکو ۱۸۸ F.O.371/11488، باید به یاد آورد که این نخستین بار نبود که یک خیزش مردمی به "سببه های خارجی" نسبت داده می شد. قیام دیگری را در سال ۱۹۲۱ به "تحریکات انگلیسیان" نسبت دادند. نگاه کنید به :

"Provocation Anglaise en Orient", Inprecorr, 9.11.1921/ AMAEF, loc. cit., Doss.38, p.22

۷۶- متذکر شویم که مورخ شورویسته م. س. ایوانوف به این مورد اشاره کرده. او در تاریخ توپان ایران (ترجمه فارسی، انتشارات حزب ب. ت. د. ، استکهلم، ۱۹۷۸) ص ۸۲. آوازین جیشها "حمایت" می کند.

۷۸- ارفع. نامه یاد شده به روزنامه "تایمز".

۷۹- تایمز، ۱۱ اوت ۱۹۲۶.

۸۰- F.O.371/ 11488, p.200

۸۱- میرزا (روشنای)، "ما، ایشان و ایران" مورخ ۸ دسامبر ۱۹۲۶.

۸۲- چروونی، "مسائل مورد نزاع .." یاد شده، ص ۵۶-۵۵.

۸۳- سلطانزاده، انکشاف اقتصادی ایران... یاد شده، ص ۱۶۴.

۸۴- گفته شود که قیام های ایلات نیز از دید حزب کمونیست ایران پنهان نماند. نگاه کنید به حزب کمونیست ... یاد شده.

۸۵- سلطانزاده انکشاف اقتصادی ... یاد شده، ص ۱۶۹. ونیز اثر یاد شده :

۸۶- F.O.371/31426(E1646/163/34

۸۷- شهزاد آزاد (نام مستعار)، "Workers and Peasants Monthly Rev. Oct.1980, p.17.

بیفزاییم که نویسنده، مقاله، که از هواداران چریک های فدائی خلق بود، نسبت به تضاد هادر اندیشه خود آگاه نبود، زیرا از

یک سو از سطح بالای آگاهی کارگران سخن می راند که ضربه، قاطعی بر پیگر رژیم شاهنشاهی وارد آورد، و از سوی دیگر نوشت که

اکثریت کارگران از خمینی جانبداری می کردند (به ترتیب مهره و ۲۵) . باید به یاد آورد که "صفری" (اسم مستعار) در مصاحبه

شده با ۲۹ نوامبر، Oct.-Nov.1979, Sous le Drapeau du Socialisme، این فرست طلبی گروه های چپ شده ایستی را خوب فهمیده بود.

این هم از قلم نیفتد که خانم هما ناطق در مقاله ای در الفبا

(دوره ۱، شماره ۴) تحت عنوان "انجمن های شورائی (کذا)" در انقلاب مشروطیت، که پر است از منابع، متأسفانه با برخورد

دی احساسی، و نه علمی و پژوهشی، کوشیده است به همین مطلب

با آمریکا بیرون. تقاضای او رد شد. پس از اصرار زیاد از سوی او، مقامات شوروی او را زندانی کردند و از زندانی زندانی می فرستادند. او سرانجام آزاد شد. او عرضالی به رضا شده نوشت. و از طریق کنسولگری ایران در باکو به تهران فرستاد. پس از آن شوروی ها او را از سو به زندان افکندند. چند ماه پیش (از استخار کتاب؟) ارفع شنیده بود که سرانجام شوروی ها به او اجازه سازگشت به ایران را داده بودند. ما آگاه نیستیم که سالار جنگ خاطرات خود را منتشر ساخته است یا نه.

۵۹- چروونی، "مسائل مورد نزاع .." یاد شده، ص ۶۸-۵۵.

۶۰- در اصل روسی گزارش "پاداشیسم" آمده است. اما این باید قاعدتا ریخت برگشته ای از همان "پاداش" فارسی باشد.

۶۱- بنا بر منابع بریتانیایی، تعداد خیزشیان بین ۴۰۰ تا ۴۰۰ تن بود.

F.O.371/11484, p. 158; F.O.371/11488, p. 193.

۶۲- سالار جنگ، چنان که یاد شد از سواد کوه مازندران بود و

درجه، ناپیی داشت.

۶۳- همچنین مورد تایید وابسته نظامی بریتانیاست: F.O.371/11488/ p.194.

۶۴- اگر مراد محله ای به نام اینچا باشد، بنا بر قول وابسته نظامی بریتانیا، کل پادگان، که ۵۰۰ سرباز داشته یا به فرار گذاشته بود.

F.O.371/11488; p. 158.

۶۵- بنا بر گفته وابسته نظامی بریتانیا، تمام نیروهای محلی به خیزشیان پیوستند.

۶۶- سفارت فرانسه در تهران از تشکیل "ساری بیت" یا انجمن دهقانی سخن گفت. نامه، مورخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۲۶: AMAEF, ibid., Doss. 19, p. 227; F.O.371/11488, p.194.

۶۷- آنان در تاریخ ۲ ژوئیه ۱۹۲۶ به آنجا رسیدند. F.O.371/11484, p. 158.

۶۸- بنا بر منبع بریتانیایی، تعداد ۴۰۰ تن بود که از تهران اعزام شده بودند. همانجا، باید یاد آور شد که تمام اتوموبیل های تهران برای حمل سربازان از پایتخت به محل عملیات ضبط شده بودند. نامه، سفارت فرانسه مورخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۲۶، یاد شده.

۶۹- در تاریخ ۱۵ ژوئیه به آن محل رسیدند. F.O.371/11484, p.158.

۷۰- بنا بر گفته وابسته نظامی بریتانیا ۵ فروند هواپیما در عملیات شرکت جستند.

F.O.371/ 11488, p.194

۷۱- آر قاتل کنل محمد تقی خان پسبان بود.



بپردازد. این نوشته را نمی‌توان اثری علمی نامید. باید آن را انشائی شیوا خواند، زیرا نتوانسته است روشن دارد که علت پدایش و نابودی آن انجمن ها چه بودند. برای این کار باید احاسبات را به‌کناری نهاد و جستار علمی را به پیش گرفت.